

نشریهء مباحثوی

وضعیت عدالت انتقالی در افغانستان

فعالان، رویکرد ها و چالش ها



ایمیلی ونتربتم

مطالعه مذکور توسط سفارت ناروی تمویل گردید

در مورد نویسنده

ایمیلی ونترتیم در مورد عدالت انتقالی در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان پژوهش می نماید. قبلاً وی در مورد همین موضوع در بوسنیا هرزیگوینا پژوهش نموده است و ماستری اش را در سیاست بین الملل از پوهنتون اقتصاد و علوم سیاسی لندن بدست آورده است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه تحقیقات و پژوهش با کیفیت در عرصه های مختلف جهت اطلاع رسانی و آگهی دهی، و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فعالانه فرهنگ پژوهش و مطالعه را در این کشور ترویج دهد. این اداره سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی را در کشور فراهم سازد که متصور است باعث بهبود و پیشرفت فکری و ذهنی در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی با همکاری سازمان های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی و دیگر نهاد های که در امور مختلف در افغانستان مصروف فعالیت اند، تشکیل میدهد. این اداره، در حال حاضر، عمدتاً از جانب کشور های فنلند، ناروی، سویدن، سویس، و انگلستان تمویل مالی گردیده و موسساتی مثل انستیتوت جامعه باز افغانستان (OSIA)، بنیاد آسیایی (TAF)، کمیسیون اروپا (EC)، کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، صندوق وجهی ملل متحد برای کودکان (UNICEF)، صندوق انکشافی ملل متحد برای زنان (UNIFEM)، و بانک جهانی نیز بعضی از پروژه های مشخص این اداره را حمایت مالی می نمایند.

سپاسگذاری

مؤلف این نشریه از تمامی کسانی که در اجرای این پژوهش اشتراک ورزیدند و بخصوص از گروه هماهنگی عدالت انتقالی اظهار سپاس می نماید. از ساری کوفو، پتی گوسمن، مورینا موری، و جان دمسی بخاطر مشورت شان در قسمت تولید این نشریه خیلی ممنون است. همچنان از تیم پژوهشی خویش هریک فوزیه رحیمی، امین شیخ زاده، زمان سلطانی، اکبر لودین، جمیله وفا، شکریه آزادمنش و فرخ لقا امینی قلباً متشکر است. بلاخره از پالا کانتور، دیبرا اسمیت، چونا ایچاوویز، و لورا کم بخاطر صرف وقت و حمایت شان در قسمت نوشتن این نشریه اظهار سپاس می نماید.

ایمیلی ونترتیم، جوزا ۱۳۸۹

مترجم: سوسن فخری

© ۱۳۸۸، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله ی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد شده و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده ی که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+ بدست آید.

فهرست

۱.....	وضعیت عدالت انتقالی در افغانستان.....
.....	۱. مقدمه و پس منظر.....
۵.....	۲. محیط پالیسی سازی.....
۹.....	۳. فعالان.....
۱۴.....	۴. فعالیت ها و پروسه های عدالت انتقالی.....
۲۳.....	۶. اختتامیه.....

شود. بعلاوه یک موضوع باید یادآور شود که در چنین شرایط پیچیده کدام راه حل ساده موجود نمی باشد. با این حال، واقعیت ساده اینست که منازعه هنوز ختم نشده و صلح مضطرب که بعد از سقوط طالبان و پروسه بُن حکمفرما گردید خیلی متزلزل به نظر می رسد. ناکامی در راستای رسیدگی به مسایل معافیت و تطبیق پروسه جامع عدالت انتقالی چهره فعلی افغانستان را ساخته است.

طبق گفته های رامانی، برخورد با معافیت در افغانستان فقط نیازمند مقابله با گذشته نمی باشد. بلکه سوال رسیدگی به حال بمنظور محافظت آینده مطرح است که به خطر مواجه است. معامله با معافیت در افغانستان چالش شکست دوره عملکرد های را ارائه می کند که منتج می شود از قدرت و سؤ اداره فعالان متعدد-خارجی و داخلی- که تاریخ آشفته افغانستان را بمیان آوردند و به متاثر ساختن دورنما برای صلح آن ادامه می دهند.^{۱۱} بدین دلیل است که خیلی مهم است به گذشته افغانستان به درستی رسیدگی کرد، زیرا که سایه های آن به حال و آینده این کشور متجاوز می گردد.

نشریه مباحثوی هذا وضعیت فعلی عدالت انتقالی را در افغانستان مختصراً بیان می کند. ممکن کامل نباشد اما اقدام نموده تا تصویر از فعالیت های عدالت انتقالی را در افغانستان امروزی ارائه بدارد و چالش های عمده و مباحث را در این مورد بیان کند.^{۱۲} بخش دوم این نشریه محیط پالیسی سازی را در رابطه با عدالت انتقالی بررسی می کند که پلان عملی را برای صلح عدالت^{۱۳} و مصالحه، قانون عفو، ثبات و مصالحه ملی^{۱۴} و برنامه صلح و مصالحه را مورد بحث قرار می دهد. بخش سوم نقش عملی و نظری سه فعال عمده یعنی حکومت افغانستان، جامعه جهانی (دیپلماتیک و جامعه مدنی) و جامعه مدنی افغان را مختصراً بیان می کند. بخش چهارم پالیسی های اخیر این فعالان را در رابطه با سه موضوع، حسابدگی قضایی برای جنایات جنگی؛ پالیسی های که با گذشته سروکار دارد؛ و پالیسی های جبران کننده که در راستای قردادانی از قربانیان جنگ های افغانستان فعالیت می نمایند، را تشریح می کند. نشریه مذکور با چند بازتابی از راه های پیش رفت ختم می گردد.

معلومات و تحلیل های که در این نشریه ذکر گردیده اند بر اساس مصاحبه های نیمه ساختاری، گفتگو های غیر رسمی و ارتباطات شخصی با اطلاع رسانان مهم در کابل می باشد که از نهاد های داخلی و بین المللی میان ثور ۱۳۸۸ و حمل ۱۳۸۹ بدست آمده اند. استفاده از معلومات نشریات قبلی و انترنت و مشاهدات مولف در جریان جلسات، کنفرانس ها و بحث ها در کابل در مورد عدالت انتقالی نیز مکمل این نشریه اند.

این اولین نشریه از سلسله نشریات ایست که برای پروژه "میراث جنگ، عدالت، مصالحه و راه های پیشرفت" مد نظر گرفته اند. کار ساحوی که در اواخر ۱۳۸۸ آغاز گردید در چهار ولایت (کابل، بامیان، بدخشان و غزنی) تا اواخر سال ۱۳۹۰ اجرا می گردد. این پروژه از تلاش های جاری برای ترویج عدالت انتقالی در افغانستان الهام گرفته است، و در تلاش است که با ارائه دانش کیفی و عمیق در مورد میراث های جنگ و دیدگاه و آرزو های برای عدالت، صلح و مصالحه میان افغان های در اجتماع محلی، به بحث مذکور کمک نماید. با اجرای چنین کار پروژه مذکور می خواهد تا برای مفکوره های قبلی بشمول اقدامات محلی برای کسب عدالت و مصالحه فضا ایجاد نماید. در اخیر توقع می کند که استراتژی ها و مکانیزم های سبب پیشرفت اجتماعات می شود مشخص سازد. این پروژه هدفمند است تا تامین نماید که پالیسی سازان از خواست ها و تقاضا های اجتماعات مختلف در افغانستان در رابطه با عدالت انتقالی، مصالحه و صلح آگاهی دارند. در واقع، به پروسه تامین اینکه افغانان عادی که از جمله کسانی اند که بیشتر از جنگ ها متاثر شده اند بیشتر در فعالیت های حسابدگی و صلح در آینده دخیل باشند، کمک می نماید.

۲. محیط پالیسی سازی

۲.۱ استقرار معافیت از جزا

موافقتنامه بُن در سال ۱۳۸۰ آغاز امید های مردم بود تا حکومت طالبان و منازعات جاری به صلح مبدل گردند. هر چند در یک اقدام برای جلوگیری از آشفته ساختن رهبران احزاب که در موافقتنامه بُن حضور داشتند و بعضی از آنها مرتکبین نقض حقوق بشر بودند اما همکاری شان برای تامین یک موافقتنامه خیلی ضروری پنداشته می شد، تیم میانجی سازمان ملل تمامی اقدامات جمع آوری منابع برای معامله با جنایات جنگی و نقض حقوق بشر را یک سو نهاد.^{۱۵} موافقتنامه نهایی نیز بسیاری از بخش های معیاری موافقتنامه های صلح سازمان ملل را بشمول تعهدات برای خلع سلاح و ملکی سازی بیرون ساخت.^{۱۶} بلاخره، هیچ نوع اقدامی برای رسیدگی به علت های اساسی یا عواقب جنگ بر میلیون ها قربانیان افغان صورت نگرفت.

در واقعیت، هر چند موافقتنامه بُن پیمان صلح میان گروه های مبارز نبود، بلکه موافقتی بود میان رهبران منتخب از چهار گروه ضد طالبان بود که در قسمت

^{۱۱} مانی، ختم معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان

^{۱۲} این نشریه هدف ندارد که تمامی لست فعالیت های جاری عدالت انتقالی را ارائه دارد یا کار بعضی از نهاد های را عمیقاً بررسی کند. در عوض هدفمند است تا روند ها و ابتکارات مهم را بیان کند.

^{۱۳} دولت جمهوری اسلامی افغانستان، پلان عمل برای صلح، مصالحه و عدالت. http://www.aihrc.org.af/actionplan_af.htm

^{۱۴} دولت جمهوری اسلامی افغانستان قانون عفو مصالحه و ثبات ملی جریده رسمی شماره ۹۵۶.

^{۱۵} یک اقدام پیشنویسان سازمان ملل جهت شمولیت یک پاراگراف که می گفت اداره موقت باید هیچ نوع عفو را برای جرایم جنگی یا جرایم ضد بشری به تصویب نرساند، رد گردید. مراجعه شود به رویین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان.

^{۱۶} رویین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان، ۵۷۲.

سرنگون نمودن رژیم طالبان با هم متحد بودند.^{۱۷} در جریان مذاکرات طالبان و القاعده، هنوز توسط ایالات متحده بمباران می شدند که موافقتنامه آنها را نادیده گرفت، هرچند آنها طرف چشمگیر جنگ بودند.

افغان های که معاهده بِن را امضا نمودند بعداً شامل یک تعداد ناقضین حقوق بشر گردیدند و اقدامی برای بجا آوردن تعهدات عدالت برای شان صورت نگرفت.^{۱۸} بعداً این کار برای قوماندانان سرشناس موقع را مساعد ساخت تا بار دیگر بنیاد قدرت شانرا در کشور تاسیس نمایند. مانی بحث میکند که این کار یکی از عوامل عمده ناامنی در کشور بود چون قوماندانان با اتحاد شمالی پیوستند و در معاهده شریک سازی قدرت شامل گردیدند و در قسمت پیگیری منافع نژادی، اقتصادی و فرقه ای خود شان عمل نمودند.^{۱۹} آغازین مراحل عدالت انتقالی همین بود که موافقتنامه بِن از عفو اجتناب نمود و نهاد های حقوق بشر را ایجاد کرد.^{۲۰} همچنان کشور را مطابق به مقررات حقوقی بین المللی حقوق بشر محدود ساخت.^{۲۱}

”به باور من عفو یک شیوه ای درمان زخم های یک کشور می باشد. اما در صورتیکه حسابدهی نباشد پس آن زخم ها درمان نمی گردد... اگر به معنی تصویب معافیت و ارتکاب ظلم باشد.“

کای ایدی، نماینده خاض سرمنشی سازمان ملل (۲۰۰۸-۱۰) در جریان سخنرانی اخیرش در افغانستان

رویه مشابه در لویه جرگه اضطراری در جوزای ۱۳۸۱ معافیت از جزا را بیشتر تقویت نمود. معیار های بررسی متقاضی بود که کاندیدان اعلامیه را به امضا برسانند و در آن سوگند خورند که آنها افراد بی گناه را به قتل نرسانده اند و به قاچاق مواد مخدر یا تروریزم دخیل نبوده اند. باوجود این همه در این جرگه بسیاری کسانی که از این شرایط تخطی نموده بودن بدون ممانعت حضور داشتند.^{۲۲} بلاخره، موافقتنامه بِن و لویه جرگه اضطراری بر توقف خصومت و تامین معاهده میان احزاب از طریق معامله شریک سازی قدرت تمرکز نمود. در این روند، نیاز مبرم برای تشخیص و تطبیق تغییرات ساختاری، سازمانی و سیستمی جهت تحکیم صلح و جلوگیری از عودت جنگ نادیده گرفته شدند.^{۲۳}

۲,۲ پلان عمل برای عدالت انتقالی و واکنش شدید

افغانستان دارای پلان عملی برای صلح، مصالحه و عدالت در افغانستان سال ۱۳۸۴، و قانون عفو، مصالحه و ثبات ملی سال ۱۳۸۶ می باشد. پلان عمل که بیشتر مورد بحث قرار داشت توسط کابینه در سال ۱۳۸۴ کمتر تصویب گردید که پیش رانی عدالت انتقالی در اجندای سیاسی آن وقت^{۲۴} گردید. پلان مذکور شامل پیشنهادات از پروژه ای نیاز برای عدالت کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۱۳۸۴ بود. این گزارش سند عمده ایست که تقاضا برای عدالت در جامعه افغان و میزان نقض حقوق بشر در سراسر کشور در آن درج است.^{۲۵} پلان عمل دربرگیرنده پنج فعالیت ذیل بود: معیار های سمبولیک، اصلاح سازمانی، جستجوی واقعیت ها، مصالحه، و معیار های حسابدهی. همچنان بطور قطعی معافیت از جزا را رد کرد و ذکر نمود که نه اسلام و نه قانون بین الملل برای جرایم بشمول جنایات بشری عفو را ارائه نمی کند. رئیس جمهور حامد کرزی در ۱۹ قوس ۱۳۸۵ این پلان را آغاز نمود که مصادف بود با روز جهانی حقوق بشر. تاخیر یک ساله در آغاز این پلان مخالفت های دولت را در برابر آن نشاندهی می کند. یک پاسخ دهنده بین المللی که در ایجاد این پلان دخیل بود اظهار نمود که این مخالفت میان مشاورین با اعتماد رئیس جمهور کرزی شدید بود. پلان عمل من حیث یک معیار در توافقنامه افغانستان سال ۱۳۸۵^{۲۶} و استراتژی انکشاف ملی افغانستان سال ۱۳۸۷ نیز شامل گردید.^{۲۷}

پلان عملی زمان معینی را برای اجرای فعالیت های متدکره فوق تعیین نمود که در حمل ۱۳۸۸ این زمان به پایان رسید. بعداً رئیس جمهور حامد کرزی درخواست کمیسیون مستقل حقوق بشر و جامعه مدنی را برای تمدید این زمان رد کرد.^{۲۸} تاکنون یگانه فعالیت های که اجرا شده اند ایجاد روز قربانیان و تاسیس بورد ویژه مشاورین ریاست جمهوری برای منصوبین ارشد (که در بخش های سوم و چهارم به تفصیل بحث می شوند) می باشند. از مصاحبه ها معلوم

۱۷ روین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان، ۵۷۱.

۱۸ مانی، اختتام معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان.

۱۹ در عوض موافقتنامه بِن از گروه های مسلح خواست تا تحت رهبری اداره جدید در آیند و به نیرو های مسلح ملی بپیوندند. برنامه آغاز جدید افغانستان که بعد از تاخیر های زیاد در ۱۳۸۲ آغاز گردید، تمهد به خلع سلاح مکمل نمود. برای معلومات بیشتر مراجعه شود به مانی اختتام معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان.

۲۰ عدالت انتقالی بین المللی، عدالت انتقالی در افغانستان (۱۳۸۶)

۲۱ تحت موافقتنامه بن افغانستان محدود گردیده با موارد ذیل: توافقنامه جنیوا ۱۳۲۸؛ توافقنامه قتل عام ۱۳۲۷؛ توافقنامه در باره تطبیق نشدن محدودیت های قانونی جرایم جنگی و جرایم علیه انسانیت ۱۳۴۷؛ پیمان بین المللی در مورد حقوق بشری و سیاسی؛ و توافقنامه علیه زجر و مجازات و رویه غیر انسانی ۱۳۶۳. همچنان افغانستان اساسنامه روم را در حوت ۱۳۸۲ به تصویب رساند و بعداً تحت قلمرو محکمه بین المللی جزایی قرار گرفت.

۲۲ روین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان، ۵۷۳-۴

۲۳ مانی، اختتام معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان، ۲.

۲۴ مصاحبه مولف تا یک نماینده مرکز بین المللی برای عدالت انتقالی، کابل، ۲ قوس ۱۳۸۸

۲۵ کمیسیون مستقل حقوق بشر، نیاز برای عدالت

۲۶ دولت جمهوری اسلامی افغانستان، استراتژی انکشاف ملی افغانستان (کابل ۱۳۸۷)

۲۷ بحثی در جلسه گروه هماهنگی عدالت انتقالی حمل ۱۳۸۸

۲۸ هفت محل ارتباطی نیز در هفت وزارت تاسیس شد (وزارت عدلیه، وزارت داخله، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت انکشاف مسکن و شهرسازی، و وزارت امور زنان) تا رهبری تطبیق عمل های ذکر شده را بعهده گیرند. تمامی آنها توسط وزارت مربوطه شان در اگست ۲۰۰۷ مشخص و گماشته شدند.

می شود، وزارت^{۲۹} که مسؤلیت تطبیق پلان عمل را بعهده داشتند و بعضی از اعضای جامعه دیپلماتیک جهانی در مورد این پلان آگاهی اندک داشتند. هرچند استراتژی انکشاف ملی افغانستان بر مسؤلیت وزارت عدلیه جهت تطبیق این پلان تاکید ورزید، کارمندان دولتی در ساحه عدلیه گفتند که آنها از موجودیت این پلان خبر نداشتند.

بی علاقگی دولت افغانستان در رابطه با این پلان احساسات رئیس یکی از سازمان های غیر دولتی بین المللی را برانگیخت و انتقاد نمود که پلان عمل "فقط گپ" بود. یک نماینده عدالت انتقالی که در ایجاد این پلان شامل بود گفت که "به چشمان ما خاک انداخته شد." با آن هم، بسیاری از پاسخ دهندگان داخلی و بین المللی پلان مذکور را چارچوب برای جامعه مدنی و حمایت جامعه جهانی برای عدالت انتقالی می پندارند. طبق گفته یکی از مسؤلین حقوق بشر دفتر یوناما بیان نمود:

تا هنوز قطعی نیست دولت سند یا پیمان سیاسی دیگری را به امضا رساند. ما توقع اینرا نداریم تا تعهد را برای چیزی دیگری ببینیم؛ پلان عمل یگانه سندی است که ما داریم.

بعلاوه، قسمیکه یکی از نمایندگان مرکز جهانی عدالت انتقالی میگوید، "تا زمانیکه فعالیت های پلان مذکور تقویت نگردند، پلان عملی هنوز هم مناسب است."^{۳۰} همین پاسخ دهنده تذکر داد، از آنجائیکه پلان عمل یک بخشی از استراتژی انکشاف ملی را تشکیل می دهد پس باید دارای عین زمان باشد. در واقع، شورای امنیتی سازمان ملل از این واقعیت عمداً چشم پوشی نمود که زمان پلان عمل الی حمل ۱۳۸۸ پوره می گردد زمانیکه از دولت افغانستان خواست تا تطبیق کامل پلان عمل را روی صلح، عدالت و مصالحه مطابق به توافقنامه افغانستان تامین نماید.^{۳۱}

بتاریخ ۲۶ قوس ۱۳۸۵، هفت روز بعد از آغاز پلان عمل، دیده بان حقوق بشر لیست اسامی ناقضین حقوق بشر را در گزارش سال ۱۳۸۴ اش تحت عنوان دستان آلوده با خون نشر کرد.^{۳۲} در واکنش به این رویداد ها در دلو ۱۳۸۵ مجلس نمایندگان و به تعقیب آن مجلس سنا قانون مصالحه و ثبات ملی را به تصویب رساندند. این قطعنامه "عفو همه جانبه را به تمامی احزاب مخالف و طرفین سیاسی که قبل از تشکیل اداره موقت با هم در نزاع بودند ارائه نمود". در زمان پیشنویس یک تعداد زیاد ملا های اسلامی افغانستان این قانون را مورد انتقاد قرار داده گفتند که در قانون اسلام فقط قربانیان یک جرم می توانند مجرم را ببخشند نه دولت.^{۳۳}

رئیس جمهور کززی به مجرد دریافت این قانون آنرا مرور نمود تا حقوق انفرادی قربانیان جنگ تشخیص شود و عدالت بدست آید و بر علیه مرتکبین جنایات جنگی شکایات درج گردند. هرچند قانون مرور شده (معمولاً بنام قانون عفو یاد میگردد) مسؤلیت درج شکایات و به محاکمه کشاندن مجرمین را بالای خود افراد می سپارد که با نفوذ که جنایتکاران / قربانیان دارند این کار ناممکن می باشد. متعاقباً در عدم موجودیت شکایتنامه از طرف قربانیان، مقامات افغان از متهم نمودن جنایتکاران جنگی به صلاحیت خود شان منع شده اند، که این کار سبب می شود تا دولت از مسؤلیت خویش برای بررسی و محاکمه نمودن جنایتکاران جنگی شانه خالی نماید. بعلاوه، در ممالک دیگر مانند افریقای جنوبی که معافیت تصویب گردیده، ناقضین حقوق بشر با افشای معلومات در مورد دست داشتن شان در جرایم سیاسی به روند حسابدهی کمک نمایند. این قانون با مقررات حقوقی افغانستان برای پیگیری حسابدهی برای سؤ استفاده کنندگان حقوق بشر مغایرت دارد. زمانیکه افغانستان اساسنامه روم را در دلو ۱۳۸۱ تصویب نمود، مسؤلیت اعمال دادرسی جنایی را بر کسانیکه مسؤل جرایم جهانی بودند بعهده گرفت.^{۳۴} همچنان این قانون با تعهد رئیس جمهور کززی برای پیگیری عدالت و جنگ علیه معافیت قسمیکه در پلان عمل خلاصه شده بود در تضاد است.

تا هنوز واضح نیست که آیا رئیس جمهور کززی واقعاً این قانون را امضا نموده است. در سال ۱۳۸۷ دیوید وسنر اظهار نمود که کززی این قانون را در حمل ۱۳۸۶ امضا نمود.^{۳۵} هرچند زمانیکه از نمایندگان افغان در مرور دوره ای جهانی سازمان ملل در مورد وضعیت حقوقی قانون عفو پرسیده شد آنها در پاسخ گفتند که، "اگرچه شورای ملی قانون مصالحه ملی را تصویب نمودند، رئیس جمهور آنرا امضا ننمود." این جواب قانع کننده بدین سوال نبود. طبق شرایط قانون اساسی، امضای رئیس جمهور کززی برای تصویب چنین قانون ضروری نمی باشد. در عوض اگر رئیس جمهور با آنچه را شورای ملی تصویب نموده موافق

۲۹ دولت جمهوری اسلامی افغانستان پایه دوم، حکومتداری خوب، عدالت و حاکمیت قانون و استراتژی انکشاف ملی افغانستان

۳۰ مصاحبه مولف با مرکز جهانی عدالت انتقالی ۲ قوس ۱۳۸۸.

۳۱ مصاحبه مولف با نماینده مرکز جهانی عدالت انتقالی، ۲۶ عقرب ۱۳۸۸

۳۲ توافقنامه شورای امنیتی سازمان ملل ۱۸۶۸ پاراگراف ۳۰، حمل ۱۳۸۸

۳۳ دیده بان حقوق بشر، دستان آلوده با خون: بیرحمی های گذشته در کابل و میراث افغانستان از معافیت (کابل دیده بان حقوق بشر ۱۳۸۴)

۳۴ مصاحبه مولف، با نماینده از انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، کابل، ۱۱ قوس ۱۳۸۸

۳۵ اساسنامه روم روی محکمه بین المللی جزایی <http://untreaty.un.org/cod/icc/statute/rome.htm>. محکمه بین المللی جزایی دارای دو محدودیت در بخش قضایی خود است. اول اینکه بر محاکم داخلی برتری نمی دهد تا اینکه محکمه ملی مربوطه نخواهد یا نتواند قضیه مدافعین را پیگیری نماید. دوم اینکه از آغاز تاریخ که پیمان با کشور مربوطه آغاز گردیده فقط دارای دادرسی برای آینده خواهد بود.

۳۶ دیوید وسنر، آیا زمان تطبیق عدالت انتقالی در افغان رسیده، (مدفورد، پوهنتون تفتس، ۲۰۰۸) و مصاحبه مولف با نادر نادری کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر، کابل، ۲۵ عقرب ۱۳۸۸.

۳۷ سازمان ملل، شورای عمومی، گروه کاری شورای حقوق بشر روی مروی پنجم دوره ای جهانی، جنیوا، ۴ الی ۱۵ می ۲۰۰۹، گزارش ملی مطابق به پاراگراف پنجم ضمیمه شورای حقوق بشر پاراگراف ۴۳.

۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (کابل ۱۳۸۳)

نباشد، می تواند طی ۱۵ روز آنرا دوباره به شورای ملی بفرستد. با دریافت اولین پیشنویس این قانون، کرسی بعضی از تغییرات اساسی را بدان وارد کرد، که بعداً طبق منابع قانون پارلمانی از سوی مجلس نمایندگان و مجلس سنا تایید گردید. هرگاه قانون دوباره به رئیس جمهور فرستاده شود بعد از ۱۵ روز علیرغم اینکه واقعاً سند مذکور را امضا نموده باشد، قانون تصویب شده پنداشته می شود.^{۳۹} تمرکز مرور دوره ای جهانی سازمان ملل بر امضای کرسی ممکن یک اقدامی برای کناررفتن از مسئله قانونی بودن آن بود.

از آغاز سال ۲۰۱۰ میلادی که تقریباً سه سال از تصویب این قانون میگذرد، قانون عفو توجه بین الملل را به خود جلب نموده است. تا اینکه قانون عفو و مصالحه و ثبات ملی در جدی ۱۳۸۸ در جریده رسمی نشر شماره (۹۶۵) نشر گردید،^{۴۰} بعضی مردم در مورد موقف قانونی آن مطمئن نبودند. یک قاضی ولسوالی قبل از اینکه این قانون در جریده رسمی نشر گردد گفت:

ما نمیدانیم که قابل اعتبار است یا خیر.. وقتیکه قانون از جانب پارلمان تصویب می گردد از طرف دادگاه عالی و وزارت عدلیه در جریده نشر می گردد. ما هنوز چنین قانونی را از طرف آنها بدست نیاوردیم.

با نشر قانون عفو در جریده رسمی، شک در مورد قانونی بودن آن برطرف گردید. اگرچه ظهور ناگهان آن باعث برانگیختن مخالفت های نهاد های جامعه مدنی و نهاد های غیر دولتی بین المللی مانند عفو بین الملل، مرکز بین المللی عدالت انتقالی و دیده بان حقوق بشر گردید. بعلاوه کای ایدی، نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل آنزمان، نگرانی های خویش را در مورد قانون عفو در بیانیه اخیرش در افغانستان ابراز نمود:

دو ماه قبل، ما خبر شدیم که قانون اساسی در جریده رسمی نشر گردیده و برای بیش از یک سال از توجه مردم عام دور نگهداشته شد. این روند خود دلیل برای نگرانی های جدید است. همچنان محتویات آن سبب نگرانی است. به باور من، عفو یک شیوه درمان زخم های یک مملکت است. اما اگر حسابدهی وجود نداشته باشد این زخم ها درمان شده نمی توانند... اگر به معنی تایید معافیت و ظلم باشد...^{۴۱}

بسیاری از نهاد های جامعه مدنی (افغان و خارجی) زمان نشر این قانون را در ماه که اعلان برنامه صلح و همبستگی ملی در پیش بود مورد سوال قرار دادند.^{۴۲} بخش سوم و ماده دوم بطور چشمگیر معافیت را از محاکمه توسط دولت تمدید می نماید:

افراد مسلح که مخالف دولت افغانستان هستند، اگر بعد از تصویب قانون مذکور از مخالفت های شان دست بکشند به روند مصالحه ملی بپیوندند و قانون اساسی و دیگر مقررات جمهوری اسلامی افغانستان را محترم شمارند، از منافع این قانون مستفید خواهند شد.

ظهور بهنگام این قانون بسیاری از فعالان حقوق بشر را برانگیخت و گفتند که این قانون بطور یک انگیزه مصالحه با طالبان طرح گردیده است. هرچند وحید عمر سخنگوی رئیس جمهور کرسی ادعا نمود که نشر قانون عفو با پلانهای مصالحه هیچ ربطی نداشت.^{۴۳} علیرغم مقصد نشر این قانون، ممکن به شورشیان طالب چنین وانمود شود که اگر سلاح شانرا بگذارند پس مورد پیگیری قانونی قرار نخواهند گرفت. باید یادآور شد که در ماده فوق الذکر، در مورد محدودیت های زمانی عفو چیزی ذکر نگردیده است. از لحاظ تئوری بدین معنی است که عفو بدون تعیین وقت اجرا شده می تواند.

قانون عفو از قبل دارای برجستگی سیاسی بوده، و نشاندهی میکند که ناقضین حقوق بشر در دولت نفوذ دارند. بعلاوه، قسمیکه در مرور دوره ای جهانی ذکر گردید، این قانون تطبیق عدالت انتقالی را پیچیده می سازد.^{۴۴} این قانون سبب سوتفاهم ها شده است که در نتیجه این پروژه (پلان عمل) در سال ۱۳۸۷ تطبیق نگردید.^{۴۵} طبق گفته یک نماینده موسسه بین المللی،^{۴۶} "این سند یک مسئله است چالش موفقیت قانون عفو در ممالک دیگر دیده شده اند. لازم است تا این قانون تغییر یابد یا باطل اعلان شود."

۲,۳ ادغام مجدد ملی

قانون عفو برای تاکید دولت بر ادغام مجدد و مصالحه با پیروان طالب اساس قانونی ارائه می کند. رئیس جمهور کرسی اجرای برنامه موثر، فراگیر، شفاف و پایدار ملی صلح و استقرار مجدد را در کنفرانس لندن در دلو ۱۳۸۸ آشکار نمود، که از طریق آن به شورشیان طالبان وظیفه، تحصیل، حقوق باز نشستگی و

^{۳۹} جریده رسمی شماره ۹۵۶ وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان (کابل قوس ۱۳۸۷) در نسخه پی دی اف این قانون تاریخ ۱۱ قوس ۱۳۸۸ و در نسخه چاپی آن تاریخ ۱۲ قوس درج است. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان قانون عفو را از وبسایت وزارت عدلیه در اواخر قوس دریافت نمود. چنین معلوم می شود که در همان زمان این قانون نشر گردید اما چند هفته قبل آن بوده می تواند.

^{۴۰} بیانیه توسط کای ایدی، نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل، قانون برای زنان، کابل ۱۵ حوت ۱۳۸۸

^{۴۱} قطعهنامه کنفرانس لندن ۱۳۸۸ <http://afghanistan.hmg.gov.uk/en/conference/communique>

^{۴۲} Jon Boone, "Afghanistan Quietly Brings Into Force Taliban Amnesty Law," The Guardian, 11 February 2009 <http://www.guardian.co.uk/world/feb/11/taliban-amnesty-law-enacted>

^{۴۳} گزارش ملی، مرور دوره ای جهانی، پاراگراف ۴۳

^{۴۴} قطعهنامه کنفرانس لندن

زمین فراهم خواهد نمود.^{۴۵} نمایندگان دولت که در این کنفرانس حضور داشتند گفتند که از این پلان حمایت خواهند کرد. لویه جرگه صلح نیز بتاريخ ۸ جوزا ۱۳۸۹ برگزار خواهد شد و برگزاری کنفرانس کابل به تعقیب آن صورت خواهد گرفت.^{۴۶} این برنامه برای عدالت انتقالی چه عواقبی در پی خواهد داشت؟ در حال حاضر این برنامه عدالت را نادیده گرفته و در واقع، میراث خطرناک معافیت را در افغانستان مد نظر نمی گیرد.

این برنامه طالبان را که مرتکبین جرایم جنگی اند دوباره به اجتماع می آورد بدون اینکه آنها مسؤل قرار دهد یا تاثیرات آنرا بر حاکمیت قانون در نظر گیرد. در سنبله ۱۳۸۸ محکمه بین المللی جزایی اعلان کرد که ظلم را که طالبان و نیرو های خارجی از ۱۳۸۲ بدینسو در افغانستان مرتکب شده اند باید پیگیری شود.^{۴۷} این برنامه سبب افزایش ترس بعضی از فعالان حقوق بشر گردیده که دولت بخاطر معامله فوری صلح با شورشیان حقوق قربانیان را نادیده می گیرد. اگرچه ممکن به اختتام دور فعلی خشونت کمک کند، بالای صلح پایدار در افغانستان چه تاثیراتی خواهد داشت؟ طبق گفته یکی از نمایندگان دیده بان افغانستان، عضو افغان جامعه مدنی گفت:

ما باید بپرسیم که مردم چرا مرتکب جرایم شدند، درغیر آن ادغام مجدد آنها برای ثبات، عدالت انتقالی یا هرچیز دیگر فایده نخواهد داشت. اگر ما با طالبان مصالحه می کنیم پس باید آنها را با مکانزم عدالت انتقالی تصفیه نماییم.

بعلاوه، این روند بر دیدگاه معدود مسؤل قرار دادن طالبان برای جرایم جنگی که مرتکب شده اند چه تاثیرات خواهد داشت؟ با وجود اینکه این برنامه بالای مصالحه در افغانستان تمرکز دارد، باید پرسیده شود که آیا این نوع پالیسی قادر به ایجاد مصالحه است. اغلب فکر می شود که "مصالحه" یعنی تغییر دادن برخورد و رویه دشمنان قبلی بمنظور ایجاد روابط جدید بر اساس اعتماد متقابل می باشد.^{۴۸} طبق این مطالعه عدالت بعد اساسی مصالحه واقعی را تشکیل می دهد. سپس مصالحه روند ایست که دهه ها را دربر می گیرد. لدریچ چنین بیان می کند که این روند محل مشترک ایست که توسط چهار نیروی اجتماع یعنی "صداقت، رحمت، عدالت و صلح" اشغال شده است.^{۴۹} آیا لطف و مهربانی بدون صداقت و عدالت منجر به مصالحه یا صلح پایدار شده می تواند؟

بنابراین رویکرد فعلی ممکن به گونه یک بخش از استراتژی حل منازعات بهتر تشریح شده می تواند. شاید ایجاد شرایط برای صلح و مصالحه یک نقطه آغازین باشد، اما تجسم اینکه شرایط مذکور سبب ایجاد مصالحه می شود بدین معنی است که پالیسی های درازمدت را که در راستای ایجاد اعتماد متقابل و تشکیل عقاید و نظریات جدید در اجتماعات می شود. شاید تصور مجدد این برنامه بخش از استراتژی حل منازعات باشد در قسمت ایجاد تصویر واضحتر مقاصد این پالیسی ها کمک می تواند.

برای کمک به این پالیسی در راستای ایجاد شرایط برای صلح پایدار، لازم است تا در دیدگاه افغانها دارای مشروعیت باشد. افزون بر این، توقعات در مورد اینکه چه کسب کند باید اداره شود. یک از اهداف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از پژوهش در مورد عدالت انتقالی بررسی احساسات افغانها در مورد این برنامه و همچنان مسایل جامعتر ادغام مجدد و مصالحه در افغانستان می باشد.

۳. فعالان

فعالان که خواهان پیشبرد اجندای عدالت انتقالی هستند در یک محیط خیلی محدود فعالیت می نمایند. از سال ۱۳۸۵ بدینسو، وضعیت وخیم امنیتی عدالت انتقالی و پلان عمل را از اجندا دور نگهداشته و این کار به نفع مباحث صلح قبل از عدالت تمام شد. تقریباً نه سال بعد از امضای موافقتنامه بن، ناقضین حقوق بشر هنوز در ساختار دولت نفوذ دارند. خلع سلاح ملیشه ها ناکامی و نامکمل بوده است، که سبب ایجاد یک محیط ناامن گردیده تا قربانیان بتوانند علیه متجاوزین مبارزه نمایند.

بعضی مردم میگویند معافیت و عدم اعتماد به سیستم غیر رسمی عدالت و ناامیدی بنابر پروسه دراز قانونی که دارد باعث تحریک شورش می شود. در واقع، بعضی افغانهای که در مناطق ناامن جنوبی قرار دارند برای حاکمیت فوری عدالت به طالبان رجوع می نمایند.^{۵۰} روتیگ می گوید زمانیکه ائتلاف برهبری ایالات متحده به جنگ سالاران و قوماندانان موقع داد تا دوباره به قدرت برگردند، در مجموع قوت شورش از ۱۳۸۱ بدینسو بیشتر گردید-ظلم و ستم این جنگ

۴۵ قطعهنامه کنفرانس لندن

۴۶ James Reiml, "ICC Investigates War Crimes in Afghanistan," United Nations Press, (New York, 10 September 2009)

۴۷ دانیل بار تل و جیما بنیک، طبیعت مصالحه به گونه یک پیامد یا یک روند، آکسفورد

۴۸ John Paul Lederach, "Civil Society and Reconciliation," in Chester A Crocker, Fen Osler Hampson and

:Pamela Aall (eds.), Turbulent Peace: the Challenges of Managing International Conflict, (Washington DC

.United States Institute of Peace), 848

۴۹ ووسنر آیا زمان عدالت انتقالی در افغانستان رسیده است، ۶

۵۰ Frank Ledwidge, Justice and Counter insurgency in Afghanistan: A Missing Link RUSI Journal154, no.1,(Feb2009): and ICTJ Afghanistan: Submission to the Universal Periodic Review of the UN Human Rights Council Fifth Session, May 4-15(ICTJ November3,2009) and the Tribal Liaison Office, Three Years Later: A Socio-Political Assessment of Uruzgan2006

سالاران در دهه هشتاد باعث گردید که مردم طالبان را بدیل بهتر بدانند.^{۵۱} بعلاوه، در حالیکه نظریات در رابطه با حقوق بشر تا حدی تغییر یافته است، روابط میان تخطی های گذشته و حال در نظر گرفته نشده و در قسمت رویکرد برخورد با تخطی های گذشته تغییرات همزمان نیامده است. دولت افغانستان، جامعه جهانی، و جامعه مدنی افغان سه فعال عمده ای اند که در چنین محیط فعالیت می نمایند.

۱,۳ دولت افغانستان

با تصویب پیمان حقوق بشر بین الملل، حکومت ها مسؤولیت ایجاد معیار ها و قوانین داخلی مطابق به وظایف و مقررات داخلی شان بعهده می گیرند. دولت افغانستان یک تعداد از پیمان های مربوطه را تصویب نموده است و باید مسؤولیت اساسی تطبیق عدالت انتقالی را در افغانستان بعهده گیرد. هرچند یگانه گروه که علاقمند پیشبرد مسایل حسابهی و معافیت می باشند، یک بخش کوچک ایست در پارلمان که بنام ”راه سوم“ یاد می شود و توسط شکریه بارکزی رهبری می گردد. این گروه از کنفرانس های بین المللی و رسانه های افغانی و جهانی استفاده مینمایند تا مردم را تشویق کنند که حقوق شانرا مطالبه نمایند، اما صدای آنها در میان صدا های مخالف ضعیف است.^{۵۲}

در جریان انتخابات ریاست جمهوری بغیر از رمضان بشردوست هیچ یک از کاندیدان عمده ریاست جمهوری در مورد مسایل حسابهی برای جرایم گذشته تعهد ننمودند.^{۵۳} باوجود تصویب و آغاز پلان عمل، رئیس جمهور کرزی نیز در قسمت رسیدگی به گذشته بی علاقه است. اخیراً وی انتقادات در رابطه با موجودیت جنایتکاران جنگی در حکومت وی را یک ”موضوع منسوخ“ خواند، و ادعا نمود که این همه گفته ها ”توطئه“ دشمنان افغانستان می باشند.^{۵۴} یک نماینده دیده بان افغانستان که یک موسسه جامعه مدنی افغان است چنین بیان نمود:

ما آن رئیس جمهور را که دو سال پیش داشتیم نداریم. کرزی در روز حقوق بشر در ۱۳۸۵ گریه می کرد. بعداً در سال ۱۳۸۶ او اعلان کرد که عدالت انتقالی به مصالحه ضرر می رساند و امسال او می گوید که این یک پروسه خارجی است.

شاید قابل تعجب نباشد، شمولیت قوماندان اسبق در دولت که متهم به نقض حقوق بشر می باشند و بررسی نمودن کاندیدان پارلمانی منتج گردیده^{۵۵} تا بسیاری از افراد که دارای سوابق مشکوک حقوق بشر اند در میان نخبگان سیاسی افغان جا داشته باشند. طبق گفته نیل کرتس، پالیسی های که طرفدار برطرفی افراد معینی از قدرت اند درک می کنند که لازم یا ممکن نیست هر شخص به دادگاه کشانده شود، مهاجرین که برمی گردند چه توقع داشته می تواند وقتیکه شهردار خود خانه های آنها را بخاطر از بین بردن یک نژاد معین آتش زده باشد^{۵۶} یک روند جامع بررسی می تواند به اجتماع احساس بدهد که عدالت و حسابهی آغاز گردیده و در قسمت اعتبار نهاد ها اطمینان بمیان می آورد. همچنان به قربانیان می فهماند که کسانیکه باعث این همه رنج آنها شده اند در قدرت باقی نخواهند ماند.^{۵۷} برطرف نمودن بعضی از اشخاص از چنین موقف ها وضع سیاسی افغانستان را متاثر ساخته قسمیکه در تصویب قانون عفو مشاهده گردید.

یک تعداد فعالان حقوق بشر پروسه بررسی انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی ۱۳۸۸ را مورد انتقاد قرار دادند چون نتوانسته بود کاندید های را که متهم به نقض حقوق بشر بودند حذف نماید.^{۵۸} وظیفه تایید و اصلاح تخلف های به کمیسیون شکایات انتخاباتی سپرده شد بشمول تضمین اینکه کاندیدان که نیازمندی های قانون انتخابات را پوره نموده بودند از ورقه رای دهی حذف شوند.^{۵۹} در مقایسه با انتخابات گذشته به تعداد ۵۷^{۶۰} کاندید که تقریباً دو چند آن می شود از ورقه رای دهی حذف شدند که یکی از نمایندگان انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا چنین بیان کرد که در پروسه بررسی اندکی موفقیت وجود داشت. هرچند بسیاری از پاسخ دهندگان بین المللی دولت افغانستان را مورد انتقاد قرار داد و جامعه جهانی را بخاطر وارد نمودن فشار زیاد بر دولت متهم نمود. قسمیکه یک پاسخ دهنده گفت، پروسه بررسی تا ناوقت همان روز توجه اندک جهانیان را بدست آورد. قانون انتخابات افغانستان کسانی را که محکوم به جرایم علیه بشریت هستند و فعالیت جنایی داشته اند یا از جانب دادگاه حقوق مدنی شان صلب شده^{۶۱} است یا به نیرو های نظامی غیر رسمی یا گروه های

۵۱ تامس روتیگ، سوی دیگر بعد شورش افغان عوامل و فعالان و رویکرد ها (کابل شبکه تحلیلی افغانستان جولای ۲۰۰۹)

۵۲ مصاحبه مولف با شکریه بارکزی، کابل ۳۰ میزان ۱۳۸۸

۵۳ دیده بان افغانستان گزارش مختصری بر بحث میان رمضان بشردوست، حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی، امنیت بدون عدالت وجود ندارد، دیده بان افغانستان ۲۵ اسد ۱۳۸۸

۵۴ دیده بان افغانستان، خبرنگار ارزیابی رسانه افغان شماره ۶، ۹ میزان ۱۳۸۸. این بیانیه در نشست خبری به تعقیب اعلان نتایج ابتدایی انتخابات نشر گردید.

۵۵ انتخابات پارلمانی ۱۳۸۴ به معیارات بررسی برابر نبوده است.

۵۶ “Coming to Terms with Atrocities”, Kritz, ۱۳۹

۵۷ Kritz, “Coming to Terms with Atrocities” ۱۳۹-۱۴۰

۵۸ سخنرانی داکتر سیما ثمر در یک سیمینار در مورد بنیاد و رویکرد نظری حقوق بشر که در وزارت امور خارجه برگزار گردیده بود، دیده بان افغانستان شماره ۲، ۹ اسد ۱۳۸۸، او گفت که کسانیکه محکوم به جرایم جنگی و نقض حقوق بشر اند خود را کاندید انتخابات ریاست جمهوری یا معاون رئیس جمهوری نموده اند، یک کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر این گفته های وی را تکرار نمود. مصاحبه مولف

۵۹ کمیسیون شکایات انتخاباتی جمهوری اسلامی افغانستان، قضاوت شکایات در رابطه با شمارش آراء، پلان عملی این کمیسیون ۱۳۸۸ (کابل ۱۸ اسد ۱۳۸۸)

۶۰ رئیس جمهور دولت انتقالی اسلامی افغانستان حامد کرزی، فرمان رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در مورد تصویب قانون انتخابات (کابل، دولت افغانستان، ۱۳۸۳) این فرمان تحت ماده ۶۲ قانون اساسی آماده گردیده است.

۶۱ دولت افغانستان، قانون انتخابات ماده ۱۵.

مسلح متعلق اند و در انتخابات خود را کاندید نموده اند، ممنوع قرار می دهد.^{۶۲} باید یاد آور شد که قانون مذکور کسانی را که فقط مظنون به جرایم جنگی و نقض حقوق بشر هستند از کاندید بودن در انتخابات بازداشته نمی تواند. در نتیجه، یک کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت که قانون انتخابات باید اصلاح شود تا مردم با استفاده از اسناد موثق برای نقض حقوق بشر مورد بررسی قرار گیرند.

بالاخره انتخابات ریاست جمهوری موقت چند تن از مرتکبین نقض و سو استفاده از حقوق بشر را در میان نخبگان سیاسی قرار داد. قسمیکه یک پاسخ دهنده گفت، انتخاب محمد قسیم فهیم که به قاچاق مواد مخدر و جرایم جنگی دست داشت منجبت معاون از سوی رئیس جمهور کزی "عقب نشینی در برابر عدالت انتقالی است." پروسه انتخابات باعث برگشت عبدالرشید دوستم رهبر حزب جنبش ملی به کابل گردید، وی نیز مرتکب جرایم زیادی بشمول قتل عام در دشت لیلی در ۱۳۸۰ پنداشته می شود.^{۶۳}

تشکیل بورد مشاورین ویژه ریاست جمهوری برای انتصابات ارشد حرکت ایست بسوی ترویج ایجاد نهاد های معتبر وحسابده دولت وتضمین اینکه افراد مظنون و مشکوک در مقامات دارای موقت نباشند. کمیسیون مستقل حقوق بشر در این هیئت شامل است. این بورد که در پلان عمل شامل است و در دلو ۱۳۸۶ ایجاد گردید کاندیدان را از دولت مرکزی، قضایی، والی ها، قوماندانان پولیس، ولسوال ها و سران امنیت ولایات در رابطه با دخیل بودن به نقض حقوق بشر مورد بررسی قرار میدهد.^{۶۴} در ابتدا بورد مذکور بنا بر نداشتن منابع سیاسی، فنی و مالی ممنوع قرار داده شد. این کار باعث تاخیر انداختن بررسی بعضی از پست های سیاسی در اواخر ۱۳۸۷ گردید.^{۶۵} هرچند، از زمان تشکیل آن بدینسو، ۲۶۸ نفر بررسی شده و ۵۸ تن حذف گردیده اند.^{۶۶} اگرچه موفقیت و نیروی آن هنوز باید تثبیت شود، این هیئت موثر می باشد.

چنین اقدامات حکومتداری مشروع را ترویج می کند که به حقوق بشر احترام داشته و آنرا حفظ نماید. این اقدام می تواند محیط را ایجاد نماید که در آن پالیسی های عدالت انتقالی مد نظر گرفته شوند. طبق گفته یک مسئول حقوق بشر دفتر یوناما، "استقلال بورد مشورتی باید تقویت شود، یعنی مانند گل ایست که در صحرا باشد."^{۶۷} توجه بیشتری باید به بررسی انتخابات پارلمانی معطوف شود. هر چند با نفوذ مداوم نتقضین حقوق بشر در دولت و تاکید بر ادغام مجدد طالبان و با هیچ نوع اقدام برای مسئول قرار دادن آنها احتمال ندارد که عدالت انتقالی در صدر کار های دولت در چند سال آینده قرار گیرد. طبق گفته یک پاسخ دهنده بین المللی، "برای دولت جدید خیلی مشکل خواهد بود تا در مورد عدالت انتقالی یا هر نوع عدالت صحبت کند."

۲,۳ جامعه جهانی

بسیاری از ممالک که در افغانستان دخیل اند امضا کنندگان پیمان های بین المللی و عضو محکمه بین المللی جزایی می باشند که از حقوق قربانیان محافظت می نماید، و هرچند در عمل نه ولی از لحاظ تیوری خواست جامعه جهانی را در رابطه به جلوگیری از معافیت برای قتل عام، جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت تایید می نماید.^{۶۸} بعلاوه، جامعه جهانی در بعضی از موارد خطرات نشان ندادن واکنش در برابر جرایم جنگی و دیگر ظلم و ستم را در ممالک دیگر یاد آور شدند.^{۶۹} جامعه جهانی مسئولیت دارد تا به دولت افغانستان فشار وارد نماید تا وعده های را که در راستای تطبیق پلان عمل و به قربانیان افغان نموده فراموش نکند. با آنهم، یک تعداد همکاران بین المللی افغانستان در قسمت مسایل حساسه برای جنایات جنگی خاموش هستند.

هرچند یادآوری این موضوع مهم است که جامعه جهانی متشکل از دول مختلف، نهاد های غیر دولتی است که دارای پالیسی های جداگانه می باشند. یک تعداد حکومت ها و نهاد های غیر دولتی را می توان از دیگران جدا ساخت چون در قسمت نگهداشت عدالت انتقالی در اجندای سیاسی کار می کنند. کشور های ناروی، مکسیکو و مراکش بخصوص درخواست نمودند که دولت افغانستان پلان عمل را تطبیق نماید، درحالیکه هالند و جمهوری چک بر در مرور دوره ای حقوق بشر اهمیت عدالت انتقالی تاکید می ورزیدند.^{۷۰} در میزان ۱۳۸۸ دولت هالند حتی ۱۰ میلیون کمک خویش را به سکتور عدلی تخصیص داد، و بیان نمود که پیشرفت تطبیق پلان عمل ناکافی است.^{۷۱} هرچند یکی از کارمندان سفارت هالند میگوید که این اقدام در واقعیت تاثیر خیلی کم داشت. هالند در آن وقت برای سکتور عدلی یک تمویل کننده قابل توجه محسوب نمیشد؛ کمک های آن بیشتر بر نهاد های حقوق بشر اختصاص داشت. بعلاوه، عهد گردیده بود که این پول متذکره به توسعه سکتور عدلی اختصاص یابد، بدین معنی که کدام فعالیت برنامه ای در نظر گرفته نشده بود. در واقع طبق گفته کارمند همین

^{۶۲} James Risen, "US Inaction Seen After Taliban P. O. W.'s Died" *New York Times*, 10 July 2009.

^{۶۳} جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه جهانی، توافقنامه افغانستان. بورد مذکور متشکل بود از: دو نفر از جامعه مدنی و دولت که توسط رئیس جمهور منصوب شده بودند؛ یک نفر از کمیسیون مستقل حقوق بشر و یک نفر از بورد مشترک انسجام و نظارت و یک نفر منتخب از افغان های با نفوذ که توسط چهار عضو بورد نامزد شده بودند.

^{۶۴} مرکز بین المللی، شرح فعالیت های عدالت انتقالی در افغانستان از ۱۳۰ الی ۱۳۸۸، سند چاپ نشده

^{۶۵} عضو بورد، گفتگوی شخصی، ۴ حمل ۱۳۸۸

^{۶۶} مصاحبه مولف، مسول حقوق بشر دفتر یوناما/شخص ارتباطی عدالت انتقالی

^{۶۷} استیفین راتنر و جیسن ابرامس، حسابدهی برای تخطی های حقوق بشر در قانون بین المللی جلد دوم، (آکسفورد چاپ پوهنتون آکسفورد ۱۳۸۰، ۳۳۶

^{۶۸} مثال ها را می توان در ایجاد محاکم جنایی بین المللی برای یوگوسلاویا توسط شورای امنیتی سازمان ملل در ۱۳۷۲ و تاسیس محاکم جنایی برای روندا در ۱۳۷۳ مشاهده کرد.

^{۶۹} شورای حقوق بشر سازمان ملل، مرور دوره ای جهانی گزارش گروه کاری این مرور، جلسه ۱۲ (۲۹ سرطان ۱۳۸۸).

^{۷۰} جلسه عدالت انتقالی اتحادیه اروپا، کابل سنبله ۱۳۸۸.

^{۷۱} نماینده بنیاد فریدریک استفتنگ، گفتگوی شخصی.

سفارت، در حالیکه این تصمیم از جانب فعالان بین المللی استقبال گردید، دولت افغانستان در این رابطه هیچ واکنشی نشان نداد.

جامعه مدنی بین المللی نیز در راستای زنده نگهداشتن موضوع عدالت انتقالی در رسانه ها، جامعه مدنی و شهروندان افغان فعالیت می نماید. طور مثال، بنیاد فریدریک ایبرت سفتنگ و رکشاپ ها و سخنرانی های را در مورد عدالت انتقالی دایر می نماید.^{۷۲} جهت گرامیداشت از روز قربانیان در سال ۱۳۸۷، دفتر یوناما فلم ویدیویی را بنام (درمان اشکها) ساخت که توسط شبکه های ملی در سراسر کشور نشر گردید. این فلم افغان ها را آماده نمود تا راه های رسیدگی به گذشته را بحث نمایند.^{۷۳} انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا نیز فلمی را بنام روبرو شدن با واقعیت به زبان دری دوبله نموده که در رابطه با نقش واقعیت می باشد. این فلم در ولایات کابل و بامیان در سال ۱۳۸۸ به نشر رسید.^{۷۴} در بخش چهارم بحث خواهد شد که جامعه مدنی جهانی نیز در تلاش ها جهت حمایت جمع آوری مدارک جرایم جنگی و نقض حقوق بشر و تشخیص و حفظ گور های دسته جمعی دخیل است.

بررسی تاثیرات این تلاش ها مشکل است. طبق گفته یک مسئول حقوق بشر دفتر یوناما، بعضی از نمایندگان پارلمان گفتند که ویدیوی این دفتر توانست تا بحث رسیدگی به گذشته را دوباره آغاز نماید. نهاد های غیر دولتی افغان نیز از این اقدام قدردانی نمودند. هرچند با خاموشی و بیخبری مقامات در رابطه با عدالت انتقالی مشکوک است تا درک شود که این تلاش ها بر افغان ها چه تاثیرات داشته است. یک نماینده انستیتیوت صلح ایالات متحده گفت که بعد از نشر این فلم در بامیان با بینندگان بحث صورت گرفت که آیا مطابق به افغانستان یا بخصوص ساحه بود و باش شان بود یا خیر. مطالب این فلم از محیط افغانستان خیلی متفاوت بود که بینندگان نفهمیدند که چگونه به آنها مطابقت داشته می تواند. هرچند گفته شد که این فلم باعث ایجاد درک و فهم در مورد عدالت انتقالی و اجرای آن در ممالک دیگر گردید. اگرچه منافع فوری این نوع تلاش ها برای افزایش فهم آشکار نمی باشد، شاید طی زمان برای قربانیان وکالت نماید و به آنها اختیار دهد.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بالای فعالان بین المللی نفوذ داشت تا به چه اولویت دهند. دیدگاه در مورد دولت جدید و سیاسی سازی و کم توجهی به عدالت انتقالی بیان می کند که از دولت فعلی و شش ماه نهایی آن می توان توقع اندک داشت. فعالان که علاقمند تاکید بر اجندای عدالت انتقالی بودند در عوض تصمیم گرفتند که از این زمان برای ایجاد شبکه ها، پلانگذاری فعالیت ها استفاده نمایند، تا مطمئن گردند که جامعه مدنی در موقف قویتر باشد که بتواند بر دولت آینده فشار وارد کند.^{۷۵} یک از کار های توسعه همکاری بین المللی بود که دفتر نماینده ویژه اتحادیه اروپا آنرا آغاز نمود. اینکار باعث گردید هم آوری نمایندگان سفارت و جامعه مدنی بمنظور افزایش همکاری، پخش دانش و استراتژی ها در مورد اینکه چگونه سکتور عدالت انتقالی کار می کند، گردید.^{۷۶} هرچند، جلسات این گروه کاری در تابستان ۱۳۸۸ ختم گردیدند. دوام بخشیدن جلسات میان فعالان بین المللی به تحکیم فعالیت عدالت انتقالی بدین مراحل کمک می تواند.

پاسخ دهندگان بین المللی شرح دادند که چگونه بی علاقگی دولت افغانستان به عدالت انتقالی باعث گردید تا جامعه بین المللی توجه شانرا بسوی جامعه مدنی معطوف نمایند. دفتر یوناما، هیئت اتحادیه اروپا و یک تعداد نهاد های غیر دولتی بین المللی و رکشاپ ها، مباحث و نشست های آموزشی ارتقای ظرفیت را به نهاد های افغانی که در رابطه با مدافع، آگاهی رسانه ای و عدالت انتقالی فعالیت دارند، حمایت و برگزار می نمایند. این نهاد های کمک های مالی و لوجیستیکی را نیز مهیا می سازند. اتحادیه اروپا که بار دیگر عدالت انتقالی را یک موضوع مهم جلوه میدهد، به نهاد های جامعه مدنی افغانی و بین المللی کمک مالی ارائه میکند.^{۷۷} دفتر یوناما قربانیان را در افغانستان حمایت میکند^{۷۸} در حالیکه انستیتیوت اجتماع باز بودجه اصلی اش را به گروه های قربانی مانند بنیاد همبستگی برای عدالت (FSFJ) وقف می نماید.^{۷۹}

هرچند جامعه مدنی افغان این فعالان بین المللی را بخاطر کمک های ناکافی شان مورد انتقاد قرار میدهند. یک نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی این انتقادات را تایید نمود و متوجه شد که جامعه مدنی "مفکوره های مشخصی را اختیار نموده با آن بازی می نماید و بعداً از آن خسته میشود."^{۸۰} به عقیده یک فعال بین المللی این رویکرد موسمی سبب تضعیف نهاد های جامعه مدنی و کاهش اعتماد آنها به این روند میگردد. دو نماینده موسسات غیر دولتی افغان در مصاحبه هایشان در رابطه با کمک ها بخصوص کمک مالی که سازمان های بین المللی ارائه مینمایند اظهار مایوسی نمودند. اگرچه یک پاسخ دهنده بین المللی مشخص نمود که ارائه کمک های مالی به نهاد های افغانی که دارای ظرفیت اندک اند خیلی دشوار است و متردد است ازاینکه نهاد های جامعه مدنی می توانند روابط را با تمویل کنندگان اداره نمایند.

۷۲ مصاحبه مولف، با کارمند حقوق بشر/عدالت انتقالی.

۷۳ مصاحبه مولف، نماینده انستیتیوت صلح ایالات متحده.

۷۴ گزارش نهایی در مورد جامعه مدنی، و رکشاپ ارائه مدارک و عدالت انتقالی، کابل ۲۹-۳۱ دلو ۱۳۸۸. این و رکشاپ توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر دایر گردید و مرکز بین المللی عدالت انتقالی، انستیتیوت جامعه باز و انستیتیوت صلح ایالات متحده کمک گردید.

۷۵ معلومات از اشتراک در جلسات.

۷۶ مصاحبه مولف، عضو جامعه جهانی کابل ۵ قوس ۱۳۸۸.

۷۷ مصاحبه مولف، کارمند حقوق بشر یوناما/عدالت انتقالی.

۷۸ مصاحبه مولف، رئیس انستیتیوت جامعه باز در افغانستان، کابل، ۹ قوس ۱۳۸۸.

۷۹ مصاحبه مولف، نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی ۲۶ عقرب ۱۳۸۸.

۸۰ استراتژی حاکمیت قانون ایالات متحده، پایه اول، هرچند پنتاگون پایه دوم را امضا نموده و سه دیگر را موافقت نموده است.

بطور کلی دولت افغانستان و بسیاری از دول خارجی در قسمت مسایل عدالت انتقالی خاموش اند. یکی از اهداف استراتژی جدید ایالات متحده در رابطه با حاکمیت قانون "کمک به دولت افغانستان است تا پلان عمل سازنده ای را برای عدالت انتقالی مجدداً طرح و تطبیق نمایند."^{۸۱} هرچند تا هنوز واضح نیست که با در نظر داشت کمک های فعلی بین المللی برای برناهِ صلح و همبستگی، چه اندازه تلاش ها به عدالت انتقالی اختصاص خواهند یافت. اگر چنین تلقی میشود که عدالت انتقالی در راستای مصالحه با طالبان یک ممانعت است، ناممکن است که جامعه جهانی علیرغم پیامد ها برای صلح واقعی و پایدار بر حسابدهی برای جرایم جنگی تاکید نمایند.

۳,۳ جامعه مدنی افغان

کمیسیون مستقل حقوق بشر پروسه آسیب پذیر عدالت انتقالی را در افغانستان رهبری می کند، این کمیسیون قرار فرمان رئیس جمهور در ۱۳۸۱ برای رسیدگی به نقض حقوق بشر تاسیس شد.^{۸۲} هرچند علاقه و مشغولیت رسانه ها و جامعه مدنی در ترویج عدالت انتقالی افزایش یافته و بیشتر متنوع میگردد. تشکیل گروه هماهنگی عدالت انتقالی (TJCG) در دلو ۱۳۸۷ که بیش از ۲۰ نماینده را از نهاد های جامعه مدنی گرد هم می آورد و توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر، دفتر یوناما، مرکز بین المللی برای عدالت انتقالی و نهاد های دیگر بین المللی حمایت میشود، در قسمت تقویت آواز های افراد و موسسات، توزیع معلومات، و هماهنگ سازی فعالیت عدالت انتقالی کمک نموده است.

نهاد های جامعه مدنی با استفاده از رسانه ها و رویداد های مهم برای مطرح ساختن مسایل عدالت انتقالی اعتماد به نفس حاصل نموده اند. در کنفرانس لندن ۱۳۸۸ آنها اعلامیه مشترک حاوی پیشنهادات و تقاضا ها را به دولت افغانستان و جامعه جهانی تهیه نمودند. اخیراً گروه هماهنگی عدالت انتقالی برخلاف قانون عفو اعلامیه ای را تهیه نمود. این اعلامیه در کنفرانس مطبوعاتی ارائه شد که تلویزیون ها و رسانه های چاپی افغان مانند آریانا، شبکه یک، و روزنامه ۸ صبح آنرا بدست نشر سپرد. بسیاری از موسسات غیر دولتی افغان و کمیسیون مستقل حقوق بشر باعث ارتقای آگاهی در مورد عدالت انتقالی گردیده اند، مدارک تخطی های حقوق بشر را از حال و گذشته ارائه نموده و تلاش نموده که رنج های قربانیان جنگ ها فراموش نشوند. شبکه های حمایتی قربانیان اجتماعی را بمیان می آورند که دارای علاقمندی مشترک اند، تیاتر های سیار داستان های معافیت را بازتاب می دهند و داستان های قربانیان در تلویزیون ها و برنامه های رادیویی نشر گردیده اند.

با وجود این تلاش ها، جامعه مدنی دارای ظرفیت اندک اند تا بتوانند به مسایل عدالت انتقالی رسیدگی نمایند و پالیسی سازان را تحت تاثیر قرار دهند. فقط چندی از موسسات کوشیده اند تا در موضوعات چون بسیج سازی قربانیان، جمع آوری مدارک، ارتقای آگاهی و آموزش ها تخصص یابند.^{۸۳} بعلاوه، رسانه های افغانستان در قسمت عدالت انتقالی خاموش میباشند.^{۸۴} پاسخ دهندگان از جامعه مدنی شرح دادند که چگونه تقسیمات داخلی و عدم هماهنگی موثریت جامعه مدنی و بخصوص گروه هماهنگی عدالت انتقالی را ضعیف میسازد. یک پاسخ دهنده بین المللی بیان نمود، "جالب است که چطور اعتماد اندک و شریک نمودن معلومات در این گروه وجود دارد." یک عضو گروه مذکور گفت که فعالیت کافی و جدی وجود نداشته و مردم بطور منظم در جلسات اشتراک نمی ورزند. این گروه اخیراً سعی میکند تا این کمبودی ها را با ساختار مجدد خویش برطرف کند، مرام و مقاصد بسازد، گروه عمده اشتراک کنندگان ایجاد نماید و استراتژی رسانه ای بسازد تا به مردم در مورد ناانصافی ها آگاهی دهند.^{۸۵} حامیان بین المللی (دفتر یوناما، مرکز بین المللی عدالت انتقالی، انستیتوت بنیاد جامعه باز، انستیتوت صلح ایالات متحده) باید به تحکیم و حمایت این گروه ادامه دهند تا تضمین شود که نیروی کاری آن از دست نرفته و گروه مذکور به فعالیت خویش ادامه دهد.

بسیاری از فعالیت های جامعه مدنی محدود به کابل است و گسترش آن به مناطق محدود گردیده است.^{۸۶} امنیت و بودجه دلایل عمده آن میباشند، قسمیکه یک پاسخ دهنده گروه هماهنگی عدالت انتقالی گفت، "در زمانیکه آموزش می بینیم، پیدا نمودن نفر مشکل نیست، اما بودجه همیشه آنجا نمیرسد و اگر چیزی شد آنها کمتر محافظت میشوند."^{۸۷} طبق گفته رئیس انستیتوت جامعه باز، خطرات امنیتی که در ولایات است مانع توسعه بخشیدن پروژه های عدالت انتقالی در آنجا میگردد. یکی از چالش ها برای فعالان افغان و بین المللی یافتن راه های ایست که بتوانند با منطقه و ولایات روابط حاصل نمایند.

نگرانی دیگر که وجود دارد عدم ارتباط نهاد های جامعه مدنی افغان و بین المللی با دولت میباشد. یک عضو دیگر مرکز بین المللی عدالت انتقالی بیان نمود،

۸۱ گروه بین المللی بحران، اصلاح قضایی افغانستان و عدالت انتقالی گزارش آسیا، کمیسیون مستقل حقوق بشر توسط نیروی شبه قضایی کمک میشود، بشمول احضار هر شخصیکه در افغانستان زندگی مینمایند تا این افراد نظارت شوند و مجبور به ارائه شواهد شوند.

۸۲ مرکز بین المللی عدالت انتقالی تسلیم به مرور دوره ای.

۸۳ دیده بان افغانستان از طریق کمک مرکز بین المللی عدالت انتقالی خبرنامه دوماهه رسانه ای را نشر میکند. این خبرنامه یک تعداد موضوعات را از مذاکرات با طالبان الی عدالت انتقالی که در روزنامه های افغانستان بحث میشوند ارزیابی میکند. خبرنامه مذکور شاخص موثری است که پوشش فعلی عدالت انتقالی را نشان میدهد.

۸۴ جلسه گروه هماهنگی عدالت انتقالی کابل ۲۵ عفر ۱۳۸۸.

۸۵ نتیجه های نقشه برداری انستیتوت جامعه باز مصاحبه مولف، رئیس انستیتوت مذکور.

۸۶ مصاحبه مولف نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی ۲ قوس ۱۳۸۸.

۸۷ مصاحبه مولف نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی ۲ قوس ۱۳۸۸.

”مسئله ازین قرار است که خاموشی دولت مشکل ایجاد میکند تا جامعه مدنی در این راستا نقش ایفا نماید.“^{۸۸} به گفته یک کارشناس بین المللی، در گوانتیمالا موسسات حقوق بشر پیوسته به دولت مشوره مینمود، با آنکه دولت مسولیت گمشده ها و اعدام ها را بعهدہ داشت. در ارجنتاین دولت بی علاقه بود اما جامعه مدنی تاکید می ورزید. برای اینکه واقعاً به گذشته رسیدگی صورت گیرد، علاقه سیاسی باید برانگیخته شود و نهاد های سیاسی باید دخیل باشند. حایز اهمیت است که دولت دوباره در این مبحث گنجانده شود حتی اگر قرار باشد که اول مسولیت شان در کاغذ نوشته شود. چالش اینست که باید شیوه انجام این کار را دریافت.

۴. فعالیت ها و پروسه های عدالت انتقالی

با وجود چالش ها و قلت فعالان که در راستای عدالت انتقالی کار میکنند، فعالان ملی و بین المللی پروسه های متعددی را پیش می برند که حسابدهی را برای جرایم جنگی حمایت مینماید، به گذشته رسیدگی میکند و کمک می شود تا خسارات که به قربانیان جنگ های افغانستان وارد شده جبران شود. این بخش بعضی از منافع و نقاط ضعف این پروسه ها را بررسی میکند.

۱,۴ حسابدهی قضایی

با وجود توسعه ها در افغانستان در سکتور امنیتی و اصلاح حاکمیت قانون چندان پیشرفت صورت نگرفته است. پولیس ملی افغان و نهاد های سکتور رسمی قضایی پر از فساد تلقی میشوند و از اعتماد عامه برخوردار نیستند.^{۸۹} قاضی ها و وکلا هنوز هم از آموزش و تحصیلات در مورد قانون اسلامی و سکولر افغانی به اندازه کافی برخوردار نیستند. وسر در بحث های خود چنین میگوید که قوماندانان ملیشه ای بسیاری از قاضی ها خازنوالان را تحت کنترل خود در آورده اند، درحالیکه معاشات کم قاضی ها آنها وادار به گرفتن رشوه و آغشته شدن به فساد می نماید.^{۹۰} یک پاسخ دهنده از بخش قضایی گفت که زمان برای پیگیری جرایم جنگی درست نمیباشد. وی بحث کرد که “اگر سیستم قضایی در افغانستان برای جنایات دیگر که صورت گرفته اند دارای قوه قضایی نیست، پس برای جرایم جنگی چطور داشته میتواند؟”

اگر حسابدهی برای جرایم جنگی از طریق محاکم داخلی تامین شده نمیتواند، پس آیا محکمه بین المللی جزایی درین راستا نقشی دارد؟ محکمه بین المللی جزایی موقع جبران خسارات قربانیان جنگ را فراهم میسازد در صورتیکه دولت توانایی انجام این کار را بدرستی نداشته باشند یا نخواهند این کار را انجام دهند.^{۹۱} افغانستان با تصویب اساسنامه روم در دلو ۱۳۸۱ تحت حوزه قضایی آن قرار میگیرد.^{۹۲} علاقه به نقش محکمه بین المللی جزایی در افغانستان توسط اعلامیه لوپس مورینو او کامبو رئیس عمومی دادگاه جنایات جنگی در سنبله ۱۳۸۸ برانگیخته شد، وی گفته بود که متخصصین جنایات جنگی در مراحل ابتدایی پیگیری حملات دسته جمعی، خسارات گروهی که بعداز حملات ایالات متحده در ۱۳۸۰ در افغانستان صورت گرفته اند، قرار دارند.^{۹۳}

محکمه بین المللی جزایی در افغانستان چه نقش داشته میتواند؟ این دادگاه فقط دارای قوه قضایی آینده نگر است که از تاریخ قانونی شدن عهدنامه آغاز میشود.^{۹۴} یعنی جنایات که قبل از ۱۳۸۲ (زمانیکه افغانستان عضو این محکمه گردید) صورت گرفته اند در این قوه قضایی موجود نمیباشد. در یک کنفرانس در مورد محکمه بین المللی جزایی که در میزان ۱۳۸۸ برگزار گردیده بود،^{۹۵} گفته شد که در جریان شش سال گذشته بمباران هوایی توسط نیرو های بین المللی، حملات مسلحانه، انفجارات کنار جاده و حملات انتحاری سبب تلفات زیاد غیر نظامیان شده اند.^{۹۶} یک پاسخ دهنده از مرکز بین المللی عدالت انتقالی پرسید که اگر محکمه بین المللی جزایی به این تخطی ها رسیدگی نماید، آیا به اندازه کافی به تمامی قربانیان عدالت خواهد رسید.^{۹۷} تحقیق و پیگیری های دادگاه مذکور جنگ ها و تخطی های دو نیم دهه را که قبل از تایید و امضای اساسنامه روم به وقوع رسیده اند، نادیده خواهد گرفت. بنابراین تأثیرات برخورد با گذشته و برآورده نمودن تقاضا های قربانیان مشکوک است. با اینکه بر جنایات ۱۳۸۲ بیشتر تاکید میشود، نادیده گرفتن بدترین ناقضین حقوق بشر نیز از خطر خالی

۸۸ ICTJ واگذاری به مرور دوره ای جهانی، کار واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در رابطه با حل منازعات محلی نیز شواهد فساد را به سطح کارمندان عدلی ولسوالی دریافت مراجعه شود به دبیرا اسمیت، حل منازعات محلی در ننگرهار، (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کابل ۱۳۸۸).

۸۹ وسر آیا زمان درست برای عدالت انتقالی در افغانستان است؟ ۶-۷.

۹۰ مندیز، محکمه بین المللی جزایی، ۳۹-۴۳. اساسنامه روم این محکمه را بتاريخ ۱۷ جولای ۱۹۹۸ ایجاد کرد. شصت کشور باید این محکمه را تصویب مینمودند قبل از اینکه در سال ۲۰۰۲ قانونی گردد.

۹۱ مندیز، محکمه بین المللی جزایی، ۳۹-۴۳. این محکمه دارای دو نوع محدودیت قضایی است. اول اینکه بر محاکم داخلی مقدم نیست تا اینکه محاکم مذکور نتوانند یا نخواهند متهم را محاکمه نمایند. دوم فقط قضاوت مربوط به آینده را از آغاز پیمان در همان کشور خواهد کرد.

۹۲ جیمز رینل محکمه بین المللی جزایی جنایات جنگی را در افغانستان تحقیق مینماید، چاپ سازمان ملل(نیویارک، ۱۰ سپتمبر ۲۰۰۹)

۹۳ مندیز، محکمه بین المللی جزایی، ۳۹

۹۴ این کنفرانس توسط عضو ائتلاف برای محکمه بین المللی جزایی در کابل، دیده بان افغانستان در ۲ عقرب ۱۳۸۸ برگزار گردید. تعداد زیاد اشتراک کنندگان از دولت، جامعه بین المللی و جامعه مدنی دعوت گردیده بودند.

۹۵ حسین معین و ضیا محمدی، ICC در افغانستان: پیامد جلسه مشورتی در رابطه با وظایف افغانستان تحت ICC (کابل دیده بان افغانستان ۲ عقرب ۱۳۸۸)

۹۶ مصاحبه مولف، نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی، ۲۶ عقرب ۱۳۸۸

۹۷ مانی، ختم معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان، ۲۳.

نیست. هر چند بازرسی های محکمه بین المللی جزایی می تواند برای ناقضین حقوق بشر امروزی و گذشته یک تهدید باشد. مانی میگوید، اشاره بسوی اینکه رئیس دادگاه مذکور قصد دارد تا یک قضیه مشخصی را یا کشوری را مورد تحقیق قرار دهد گاهگاهی یک عمل بازدارنده برای ناقضین بوده میتواند.^{۹۸} یک پاسخ دهنده از مرکز بین المللی عدالت انتقالی گفت، متخصصین محکمه بین المللی جزایی میتواند افرادی را که سیستم قضایی این دادگاه را نمیدانند، تهدید نماید بدین ترتیب فعالان افغان امید حاصل مینمایند که کشور ها یا ارگان های وجود دارند که حسابدگی را حمایت میکنند.^{۹۹} تحقیق ها و بازجویی های این دادگاه می تواند فضای را ایجاد کند که در آن موقع دفاع از معافیت کمتر باشد و علاقه داخلی برای پیگیری حسابدگی احیا شود.^{۱۰۰} هر چند باید یادآور شد که متهم سازی رئیس جمهور عمرالبشیر در سودان موفق نشد تا بر تداوم جنگ یا تخطی های ضمیمه آن کدام تاثیری داشته باشند.

آیا محکمه بین المللی جزایی اراده سیاسی دارد؟ تاکنون، دولت افغانستان از این محکمه نخواست تا به جنایات رسیدگی نماید و اتفاق آرای دولت و سکتور قضایی نشان میدهد که از دخالت این دادگاه جلوگیری مینمایند. ماده ۶۸ اساسنامه روم از دول عضو میخواست تا در رابطه با تحقیق و پیگیری جنایات بین المللی تحت سیستم قضایی آن با محکمه مذکور همکاری همه جانبه داشته باشند.^{۱۰۱} بعضی از دولت های عضو در جریان چند ماه که به محکمه بین المللی جزایی پیوستند قوانین تعاون شانرا ارائه نمودند. تقریباً هفت سال بعد از پیوستن به این محکمه، افغانستان تا هنوز قوانین تعاون خویش را پیشنویس ننموده است. در واقع، طبق گفته کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت عدلیه قانون پیشنویس شده ای را که کمیسیون مذکور آماده نموده بود نادیده گرفت.^{۱۰۲} ممکن نشانه واضح بی علاقه دولت کرسی خالی آن در شورای احزاب دول در محکمه بین المللی جزایی میباشد.^{۱۰۳} قسمیکه یک نماینده دیده بان افغانستان گفت، "جای تاسف است که این امر نشان می دهد که افغانستان تا چه اندازه متعهد است که در مقابل معافیت به سطح ملی و بین المللی برزمد و وظیفه جهانی خویش را اجرا نماید."

همچنان ممکن متخصصین محکمه بین المللی جزایی میان همکاران بین المللی افغانستان کم علاقه باشند. اخیراً نیروی نظامی ۴۳ کشور در افغانستان حضور دارند.^{۱۰۴} محکمه مذکور میتواند جنایات را که نیروی های خارجی مرتکب شده اند مورد تحقیق و پیگیری قرار دهد. در واقع خرنوال عمومی این محکمه بخصوص ذکر نمود که بازرسی ها منجر به اسناد توقیف برای طالبان و اعضای نیرو های ائتلاف میشود.^{۱۰۵} تا هنوز واضح نیست که محکمه بین المللی جزایی واقعاً تصمیم دارد با وجود مخالفت اکثریت بازیگران جهانی تحقیقات را در افغانستان اجرا نماید. این محکمه اغلباً برای داشتن سیستم قضایی استعمار نو (Neocolonial) که فقط تحقیقاتی را اجرا می نماید که مطابق به علاقه شورای امنیت سازمان ملل باشد، مورد انتقاد قرار میگردد.^{۱۰۶} این ادعا در موافقتنامه ۱۳۸۲ که میان ایالات متحده و دولت افغانستان امضا گردید دیده می شود. موارد که در ماده ۹۸ اساسنامه روم ذکر گردیده، محکمه مذکور را باز میدارد تا جنایات ایالات متحده امریکا را تحقیق و بازرسی نماید.^{۱۰۷} هر پروسه عدالت انتقالی نباید وانمود سازد که فقط افغان ها باید جزای جنایات شانرا ببینند.^{۱۰۸} پروسه ای که شواهد تخطی های عاملین بین المللی بخصوص ملت که بیشتر نیرو های نظامی کمک نموده را نادیده گرفته مشروعیت این محکمه را تضعیف میتواند و باعث افزایش رنجش ها و عداوت میان افغان ها میشود.

جامعه مدنی می تواند در قسمت حمایت این نوع عدالت بین المللی با فشار آوردن بالای همکاری دولت با محکمه بین المللی جزایی و کمک به این محکمه در راستای جمع آوری معلومات نقش ایفا نماید. دیده بان افغانستان با نقش جدیدش منحیت عضو ائتلاف محکمه بین المللی جزایی (CICC) قصد انجام اینکار را دارد.^{۱۰۹} در میزان ۱۳۸۸ دیده بان افغانستان کنفرانس مشورتی را دایر نمود که کارمندان ارشد دولتی، دپلمات ها و کارشناسان بین المللی و اعضای جامعه مدنی و افراد اکادمیک را گرد هم آورد. هر چند لازم نیست در مورد آنچه محکمه مذکور کسب میتواند و یا خواهد کسب نمود توقع داشت، اخیراً این محکمه فقط در مورد جنایات بازرسی میکند و شاید تحقیقات را آغاز نماید. بعلاوه تا هنوز واضح نیست که مذاکرات با طالبان و نافذ شدن قانون عفو بالای جهت این بازجویی ها چه تاثیرات داشته میتواند.

مکانزم دیگر حسابدگی تطبیق قوه قضایی جهانی توسط مالک سوم میباشد. بعضی از جنایات مانند جنایات علیه بشریت و قتل عام آنقدر سنگین اند که تحت

۹۸ مصاحبه مولف با نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی ۲۶ عقرب ۱۳۸۸.

۹۹ ICTJ فراتر از صلح بر علیه عدالت، مبارزه با معافیت در شرایط ایجاد صلح.

۱۰۰ مندیز، محکمه بین المللی جزایی، ۳۹-۴۳.

۱۰۱ نادر نادری، در جریان سخنرانی در جلسه مشورتی وظایف افغانستان تحت محکمه بین المللی جزایی، ۲ عقرب ۱۳۸۸ در کابل.

۱۰۲ جلسه احزاب دولتی از زمان ایجاد سال یکبار دیدار مینمایند.

۱۰۳ نعمت اله ابراهیمی، The Vacant Seat of Afghanistan at the ICC: A Short Report on the ICC Assembly of State Parties, The Hague, Netherlands, November 2009 available at: <http://www.watchafghanistan.org/article017.html>

۱۰۴ <http://www.isaf.nato.int/en/troop-contributing-nations/index.php>

۱۰۵ راینل، محکمه بین المللی جزایی جرایم جنگی را در افغانستان بررسی میکند

۱۰۶ راینل، محکمه بین المللی جزایی جرایم جنگی را در افغانستان بررسی میکند

۱۰۷ این توافقنامه از رجوع نمودن شهروندان امریکایی که در قلمرو افغانستان مرتکب جرایم میشوند ممانعت میکند.

۱۰۸ نادری جلسه مشورتی محکمه بین المللی جزایی

۱۰۹ مصاحبه با جلیل بینش

سیستم قضایی یک مملکت میتوان با آن معامله نمود.^{۱۱۰} در اسد ۱۳۸۴ زرداد فریادی سرور قوماندان اسبق حزب اسلامی به جرم اعمال شکنجه شدید و گروگان گیری میان سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ در افغانستان محکوم به ۲۰ سال حبس در بریتانیا گردید. این نخستین باری است که دادگاه بریتانیا به چنین قضیه تحت کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل رسیدگی میکند.^{۱۱۱} بتاریخ ۲۲ میزان ۱۳۸۴ کشور هالند دو پناه جوی افغان را که دارای پست های عالی در پولیس مخفی در جریان دهه ۱۳۶۰ با شکنجه محاکمه نمود.^{۱۱۲} هالند به بازرسی افغان های که گفته میشد در جنایات جنگی دست داشتند ادامه داد.

این نوع محاکمه ها چه تاثیر دارند؟ اگرچه بعضی اوقات دانش اندک در مورد شان وجود دارد، محاکمه افغان ها در خارج برای کسانی که پنهان شده اند و یا در قدرت هستند اشاره ی پر قدرت رسانده میتواند که هیچ پناهگاه محفوظ برایشان وجود ندارد. بعلاوه خبر بازداشت یک جنایتکار جنگی افغان در بریتانیا در داخل افغانستان مثبت پنداشته شد. بعضی افغان ها با این موضوع بیشتر تحریک شده و گفتند که مجرمین دیگر که در داخل کشور اند باید چنین مجازات ببینند.^{۱۱۳} جامعه مدنی میتواند در تبلیغ این رویداد ها نقش داشته باشد و قربانیان افغان را امیدوار سازد که یک تعداد ممالک میخواهند به ناقضین حقوق بشر دوره جنگ مجازات دهند. هرچند پاسخ دهندگان که مصاحبه شدند بدین عقیده بودند که دولت افغانستان به این محاکمه های جهانی واکنش رسمی نشان نداد، افزایش این قضایا باعث تحریک مخالفت ها در آینده میشود و دوام این نوع محاکمه ها را مورد تهدید قرار داده میتواند.

ز لحاظ نظری اگر اجتماعات به گذشته خود موثرانه رسیدگی کنند، نیازی نیست که جامعه جهانی مداخله نماید و در اینصورت محکمه بین المللی جزایی و سیستم قضایی جهانی نیز مسولیت اندک خواهد داشت. هرچند از آنجاییکه معلوم میشود دولت افغانستان به معافیت رسیدگی نخواهد کرد، مکانیزم های بین المللی میتواند یکی از طرق پیگیری حسابدهی برای جرایم جنگی باشد. اگرچه اگر جامعه مدنی قادر به ترویج آگاهی و ایجاد دانش در مورد مکانیزم های عدالت انتقالی میان افغانها باشند، واضح نیست که افغانها محاکمه های بین المللی بمقدار زیاد را مشروع می پندارند. در حالیکه محاکمه زرداد فریادی سرور در بریتانیا از جانب افغانها مورد استقبال قرار گرفت، محاکمه مذکور یک رویداد نایاب بود. یافته ها از نشریه **A Call for Justice** نشاندهنده آنست که اگر محاکمه صورت میگیرند پس باید برهبری افغانها بوده و در افغانستان صورت گیرند تا مورد قبول بیشتر شهروندان قرار گیرد.^{۱۱۴} حتی اگر محکمه بین المللی جزایی در افغانستان فعالیت نماید، آیا محاکمه های که توسط بین الملل رهبری میشوند بجای اینکه در داخل رسیدگی شوند، میان افغانها مشروعیت خواهند داشت؟

۲،۴ مقابله با گذشته: گور های دسته جمعی و ارائه مدارک

پروسه که گور های دسته جمعی را شناسایی و حفظ می نماید و جنایات جنگی و سو استفاده از حقوق بشر را با مدرک اثبات مینماید بخش از پالیسی های اند که مقصد آن مقابله با گذشته میباشد. موجودیت اسناد دقیق جنایات گذشته برای فعالان دولتی مشکل ایجاد میکند که آنها را رد نمایند، فشار وارد نمایند تا باعث برطرفی ناقضین شود و در مورد جلوگیری از تخطی های آینده آگاهی دهند.^{۱۱۵}

زمانیکه گور دسته جمعی برملا میگردد برای دولت یا هر کسی دیگر مشکل میباشد تا از جنایات که صورت گرفته چشم پوشی کنند یا آنرا رد کنند. قسمیکه یک مسول حقوق بشر دفتر یوناما گفت، "زمانیکه شما گور دسته جمعی را آشکار میسازید شما فضای را ایجاد میکنید که حقایق گفته شوند." همین پاسخ دهنده شرح داد که چگونه گور های دسته جمعی به ابراز واقعیت ها ربط دارد، و لست افراد گمشده و محاکمه ها را ایجاد میکند. بررسی به پروسه های مصالحه نیز کمک میتواند. در بوسنیا تردید در مورد سرنوشت عزیزان یکی از موانع در راستای مصالحه پنداشته میشد.^{۱۱۶}

گور های دسته جمعی صحنه های جنایت بوده و ناپدید شدن یک جرم مداوم است. بنابراین یک نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی بحث میکند که وظیفه دولت است تا درین مورد تحقیق نماید.^{۱۱۷} هرچند یک کارشناس بین المللی بیان کرد که افغانستان نه دارای پالیسی رسمی در رابطه با گور های دسته جمعی است و نه قانونی دارد تا از گورستان ها محافظت کند. همین کارشناس مشخص نمود که از لحاظ عملی اخیراً هیچ نوع ظرفیت محلی وجود ندارد تا تحقیقات قانونی مطابق به معیارات بین المللی اجرا شوند. قبل از اینکه توقع برود که گور های دسته جمعی به پروسه های مقابله با گذشته معاونت کند موانع عمده باید برداشته شود.

۱۱۰ مانی اختتام معافیت و ایجاد عدالت در افغانستان ۲۴

۱۱۱ Sandra Laville, "UK court convicts Afghan warlord," The Guardian, 19 July 2005, available at

<http://www.guardian.co.uk/uk/2005/jul/19/afghanistan.world>

۱۱۲ Liesbeth Zegveld, "Dutch cases on torture committed in Afghanistan: the relevance of the distinction (between internal and international armed conflict)," Journal of International Criminal Justice, No. 4 (2006)

۱۱۳ Patricia Gossman, "Truth, Justice and Stability in Afghanistan," in Naomi Roht-Arriaza (ed.) Transitional Justice in the Twenty-First Century: Beyond Truth versus Justice (Cambridge: Cambridge University Press, 2006), 22-3.

۱۱۴ کمیسیون مستقل حقوق بشر A call for justice

۱۱۵ گزارش نهایی در مورد جامعه مدنی ورکشاپ عدالت انتقالی و جمع آوری اسناد

۱۱۶ Isabelle Wesselingh and Arnauld Vaulerin, Raw Memory: Prijedor, Laboratory of Ethnic Cleansing

(London: Saqi Books, 2005), 108.

۱۱۷ مصاحبه مولف نماینده ICTJ ۲ قوس ۱۳۸۸

سازمان پزشکان برای حقوق بشر (PHR) و دفتر یوناما/دفتر کمیشنری عالی برای حقوق بشر (OHCHR) که سازمان پزشکان برای حقوق بشر را الی سال ۱۳۸۸ تمویل مینمود این پروسه را پیش می بردند.^{۱۱۸} سازمان مذکور سعی مینماید تا جامعه مدنی را با دولت افغانستان ارتباط دهد تا ظرفیت قانونی افغانستان مشخص شده و ارتقا یابد.^{۱۱۹} این سازمان به افغان ها بشمول کارمندان وزارت داخله، اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر و فعالان دیگر جامعه مدنی آموزش میدهد تا گور ها را بمنظور حفاظت آن و تحقیقات در مورد آن ثبت نمایند و تا حد امکان از تخریب غیر مسلکی اسناد تخطی های گذشته جلوگیری بعمل آورند. یک کارشناس بین المللی شرح داد که چگونه گور دسته جمعی که گفته میشود شامل ۳۰۰ قربانی رژیم کمونست بود در بدخشان کشف شد. مردم محل بنابر عدم تجربه آنها بدرستی حفر نمودند که این کار شان تحلیل عدلی را ناممکن ساخت. حفظ درست ساحات گور های دسته جمعی خیلی مهم است و قسمیکه همین کارشناس بین المللی گفت، "ما باید شواهد را حفظ نمائیم و از تخریب آن جلوگیری کنیم و بعداً در زمان معین میتوانیم واقعیت ها را ابراز نمائیم." در کشوریکه اقدامات کمی برای دریافت واقعیت ها صورت گرفته باشد، تامین طرق واضح بمنظور ارتقای ظرفیت عدلی برای رسیدگی به تخطی های حقوق بشر در افغانستان بخش اساسی عدالت انتقالی میباشد.

چالش بزرگ در راستای باز جویی گور های دسته جمعی در افغانستان اینست که کسانیکه محکوم به جنایات جنگی اند در ساختار دولت نفوذ دارند. طور مثال، گور دسته جمعی در دشت لیلی ظاهراً شامل اجساد ۲۰۰۰ زندانیان طالب (افغان و پاکستانی) همچنان ممکن عساکر القاعده باشد که بعد از شکست کندز در قوس ۱۳۸۰ به نیرو های امریکایی و اتحاد شمال خود را تسلیم نموده بودند.^{۱۲۰} محققین سازمان پزشکان برای حقوق بشر در یک ماموریت خویش که توسط دفتر یوناما و کمیشنری عالی برای حقوق بشر تمویل گردیده بود این گور دسته جمعی را در دلو ۱۳۸۰ کشف و در ماه ثور ۱۳۸۱ آنرا بررسی نمود. کارشناسان این سازمان متعاقباً اجساد پانزده نفر را بیرون کشیدند و بعد از کالبد شکافی سه جسد مشخص نمودند که این اجساد بقتل رسیده بودند.^{۱۲۱}

رژند گور مذکور بکلی حفر نگردید. پیر پروسپر نماینده اسبق امریکا در جنایات جنگی گفت که چگونه بعد از مخالفت کارمندان امریکایی و افغان دفتر وی بررسی هایش را متوقف نمود. کارمندان اداره جورج بوش ظاهراً نگران بودند که بررسی باعث تضعیف دولت کرزی میگردد.^{۱۲۲} ترس اینکه بررسی ها سبب افشای همدستی امریکا در این جنایت دشت لیلی میشود نیز ممکن در سال ۱۳۸۰ جنرال عبدالرشید دوستم که بزرگترین مظنون بود در لست حقوق CIA قرار داشت و ملیشه او با نیرو های امریکا یکجا کار میکرد. شواهد از بودن عساکر ایالات متحده نیز در این قتل عام خبر دادند.^{۱۲۳} متعاقباً اداره امریکا ازین این حادثه در گزارشات سالانه حقوق بشر برای سال ۱۳۸۱ یادآوری کرد اما اقدامی در این راستا نمود. در سال ۱۳۸۷ سازمان پزشکان برای حقوق بشر کاوش های را کشف نموده گفتند که گور دسته جمعی دشت لیلی دست زده شدند و نگران بودند ازینکه مدارک از بین برده شده باشند.^{۱۲۴}

فعالان که در قسمت تحقیق گور های دسته جمعی دخیل اند چگونه با موانع که از سوی افراد صاحب قدرت ایجاد میشوند برخورد میکنند؟ یک منبع که امید می بخشد رویکرد فراگیر سازمان پزشکان برای حقوق بشر است. ارائه آموزش به کارمندان وزارت داخله همراه با فعالان جامعه مدنی اولین گام بسوی یکجا نمودن این دو میباشد تا باهم بحث ها نمایند و در قسمت تحقیقات گور های دسته جمعی همدیگر را درک و حمایت نمایند. ماهیت کار کالبد سنجی که اکثراً بر ساحات گور های دسته جمعی متمرکز میباشد و همچنان ظرفیت افغان ها در این راستا بدین معنی است که بعضی ساحات گور های دسته جمعی بدون کشف و بررسی باقی خواهند ماند.^{۱۲۵} یک نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی چنین بحث میکند که توقعات در مورد اینکه پروسه های مذکور چه کاری انجام داده میتوانند باید بدقت اداره شوند. اکنون در مورد توقعات و تقاضا های مردم از این کاوش ها معلومات اندک موجود است.^{۱۲۶} بحث فراگیر که شامل اقشار مختلف اجتماع باشد میتواند به کنترل نمودن این توقعات و درک اهداف پالیسی در رابطه با گور دسته جمعی کمک نماید. پزشکان برای حقوق بشر به ترویج بحث ها در مورد گور های دسته جمعی میان جامعه مدنی، وکلای مدافع، قاضی ها، ملا ها و افراد اکادمیک می پردازد.^{۱۲۷} پژوهش کنونی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد "میراث جنگ" تقاضا های افغان ها را از کاوش گور دسته جمعی بررسی میکند و امید دارد که به بحث در این مورد کمک نماید.

از آنجاییکه شواهد کالبد سنجی لزوماً به بعضی رویداد ها محدود خواهد بود، بنابراین اسناد شامل جمع آوری گواهی شواهد میباشد. هدف از جمع آوری اسناد اینست که نجات یافتگان جنگ داستان هایشانرا بیان کنند و تصویر آنچه در جریان جنگ رخ داده ارائه کنند. در موجودیت پروسه دقیق تهیه مدارک مشکل است که فعالان دولت از گذشته چشم پوشی کنند.^{۱۲۸} بعلاوه نظر به بحث وردن و ستیل زمانیکه داستان ها بیان نمیشوند و بی عدالتی های گذشته در نظر

۱۱۸ این همکاری تحت یادداشت درک میان یوناما PHR و وزارت داخله در ۱۳۸۶ تاسیس گردید.

۱۱۹ مصاحبه مولف با کارشناس بین المللی ۱۵ قوس ۱۳۸۸. الی سال ۱۳۸۸ دفتر یوناما سازمان پزشکان برای حقوق بشر را در افغانستان تمویل مینمود. و در ۱۳۸۸ پیشنهاد تمویل آن توسط وزارت خارجه قبول گردید و از آغاز ۱۳۸۹ این سازمان تحت یوناما کار نمیکند.

۱۲۰ طبق گزارشات نیرو های که توسط جنرال عبدالرشید دوستم این زندانیان را خفه نموده و در کانتینر های که از کندز به شبرغان می آمدند بسته بودند و بعد در همان منطقه دفن کردند.

۱۲۱ پزشکان برای حقوق بشر، PHR Calls for Probe into Removal of Mass Grave in Afghanistan

۱۲۲ روبین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان ۵-۵۷۴.

۱۲۳ روبین، عدالت انتقالی و حقوق بشر در افغانستان ۵-۵۷۴.

۱۲۴ پزشکان برای حقوق بشر، PHR Calls for Probe into Removal of Mass Grave in Afghanistan

۱۲۵ گروه بحران بین المللی اصلاحات قضایی افغانستان و عدالت انتقالی ۸

۱۲۶ مصاحبه مولف نماینده مرکز بین المللی عدالت انتقالی ۲ قوس ۱۳۸۸

۱۲۷ مصاحبه مولف، کارشناس بین المللی، ۱۵ قوس ۱۳۸۸

۱۲۸ مشاهدات بر اساس مصاحبه های مولف در بوسنیا هرزیگوینا برای ماستری وی بود.

گرفته نمی‌شوند محیطی ایجاد میشود که به رهبران فعلی اجازه بی عدالتی‌های بیشتر را میدهد.^{۱۳۹}

کمیسیون مستقل حقوق بشر در راستای جمع آوری اسناد یکی از بهترین گزینه‌ها است که وظیفه آن تحقیق و اثبات نقض حقوق بشر است.^{۱۴۰} در ۱۳۸۳ کمیسیون مذکور مشورت سرتاسری را اجرا نمود و گزارشی را در ۱۳۸۴ نشر نمود.^{۱۴۱} پروژه اخیر جمع آوری مدارک این کمیسیون تخطی‌های حقوق بشر را از ۱۳۵۷-۱۳۸۰ در هر ولایت نگاشت. متعاقباً بر اندازه و تشابه تجارب قربانیان در سراسر کشور و محدوده ارتکاب این جرایم که هرگز نادیده گرفته نمیشود و بخشیده نمیشود تأکید می‌ورزد. این تحقیق دارای نیرو است تا واقعاً وضع را عوض کند. مروری بر جنگ‌ها کمک میکند تا محققین بازجویی کنند و نقشه برداری شیوه معمول قبل از این بازجویی‌ها می‌باشد. هر چند یک نماینده ICTJ تأکید ورزید که نقشه برداری فقط یک گام ابتدایی است و لازم است تا توقعات در مورد اینکه پروژه نقشه برداری چه کاری را انجام داده میتواند و چگونه ارائه میشود باید واقع بینانه باشند.^{۱۴۲}

یک تعداد پرونده‌های قابل ملاحظه جمع آوری مدارک در افغانستان صورت گرفته‌اند. دفتر کمیشنری عالی برای حقوق بشر بخاطر کمک به مشورت‌های که کمیسیون مستقل حقوق بشر در ۱۳۸۳ اجرا نموده بود، نقشه‌ای از تخطی‌های حقوق بشر و جرایم جنگی را از ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۰ بر اساس اسناد موجوده سازمان ملل و دیگر مدارک جمع آوری شده از خارج کشور ارائه نمود. چنین پنداشته شد که گزارشات همزمان نشر خواهند گردید زیرا که گزارشات سازمان ملل کاری را انجام خواهد داد که کمیسیون مستقل حقوق بشر بنابر دلایل امنیتی انجام داده نمیتوانستند، یعنی واقعات مشخصی را تشریح دهد و مرتکبین را شناسایی نماید.^{۱۴۳} بلاخره این گزارش سازمان ملل هیچگاه نشر نگردید.^{۱۴۴}

پروژه قضایی افغانستان (AJP) بعضی از مدارک گسترده جنایات جنگی گذشته‌ها را نگهداری نموده است. در ۱۳۸۴ گزارشی را تحت نام جمع آوری سایه‌ها: جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۰ به نشر سپرد.^{۱۴۵} این گزارش سند بعضی از واقعات عمده را ارائه نمود که مهم بودند بخاطر اهمیت آن و یا بخاطر اینکه مردمی در آن دخیل بودند که صاحب قدرت اند. جمع آوری اسناد بیشتر توسط دیده بان افغانستان صورت گرفت. سند ۱۳۳ صفحه‌ای بنام دستان آلوده باخون نتیجه پژوهش دو ساله بود که شامل مصاحبه‌ها با بیش از ۱۵۰ شاهد، نجات یافتگان و مقامات دولت می‌گردد.^{۱۴۶}

یک تعداد سازمان‌های نیز مشغول حفظ شواهد و ثبت خاطرات جنگ به شیوه‌های مبتکرانه است. بنیاد همبستگی برای عدالت داستان‌های قربانیان^{۱۴۷} را ثبت نموده و دفتر یونینفم گواهی‌های زنان را سراسر کشور جمع آوری نمود.^{۱۴۸} کلید گروپ^{۱۴۹} نیز کتابی را بنام جنایات جنگ نشر نمود که توسط انستیتوت جامعه باز آنرا تمویل نمود و شامل ۲۵ گزارش جنایات جنگی بود که مرتکبین آن قوماندانان، جنگسالاران و نیروهای خارجی بودند.^{۱۵۰} این فعالیت‌ها نه تنها به تعداد مدارک در مورد تخطی‌های که در افغانستان صورت گرفته‌اند می‌افزاید بلکه تقاضای قربانیان را برای شناسایی آن برآورده می‌سازد.

هر چند جمع آوری سیستماتیک مدارک در افغانستان بی سابقه بوده و تا حال این اقدامات هماهنگ نشده‌اند. وردن و ستیل می‌گویند که مرتکبین جنایات سعی مینمایند تا این خلا را با دیدگاه‌های خود باورانه‌شان پر سازند.^{۱۵۱} قابل ملاحظه است که قانون عفو تخطی‌ها را بر مبنای اینکه مجاهدین جنگ مقدسی را می‌رزمیدند توجیه نمود.^{۱۵۲} کسانیکه دارای مقامات عالی رتبه در دولت افغانستان هستند با وجود شواهد از هر نوع مسئولیت برای جنایات جنگی گذشته چشم

^{۱۳۹} Worden and Steele, "Telling the Story: Lessons for Afghanistan from the Cambodian Experience," USIP

Peace Briefing, December 2008, 4-5, available for download at: <http://www.usip.org/resources/tellingstory-documentation-lessons-afghanistan-cambodian-experience>

^{۱۳۰} گروه بحران بین المللی اصلاحات قضایی افغانستان و عدالت انتقالی

^{۱۳۱} کمیسیون مستقل حقوق بشر A Call for Justice

^{۱۳۲} مصاحبه مولف، نماینده ICTJ ۲ قوس ۱۳۸۸

^{۱۳۳} گروسمن، واقعیت، عدالت و ثبات در افغانستان

^{۱۳۴} گروسمن، واقعیت، عدالت و ثبات در افغانستان، این گزارش بنابر ترسی که میتواند کارمندان سازمان ملل و مذاکرات روی سیج سازی ملیشه‌های متعدد بشمول سیاف را به خطر مواجه می‌سازد چاپ نگردید.

^{۱۳۵} پروژه عدالت افغانستان سایه‌ها، جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۰ (کابل افغانستان پروژه عدالت ۱۳۸۴)

^{۱۳۶} دیده بان حقوق بشر، دستان آلوده باخون بیرحمی‌های گذشته در میراث معافیت در کابل و افغانستان.

^{۱۳۷} مصاحبه مولف با نماینده FSFJ ۲۷ قوس ۱۳۸۸

^{۱۳۸} نماینده از دفتر یونینفم، گفتگوی شخصی.

^{۱۳۹} کلید گروپ یک ابتکار رسانه‌ای غیر انتفاعی خدمات انکشافی و بشری افغانستان DHSا است. کلید گروپ یگانه رسانه‌ای افغانی است که در ۳۴ ولایت کشور حضور دارد و همچنان به ایران و پاکستان نیز توزیعات دارد.

^{۱۴۰} نمایندگان کلید گروپ، گفتگوی شخصی ۲۳ جدی ۱۳۸۸. این موضوع به دری و پشتو ترجمه گردیده بود که بزودی چاپ خواهد شد.

^{۱۴۱} وردن و ستیل، بیان واقعیت، درس‌های از تجربه کمبودیا برای افغانستان.

^{۱۴۲} مقدمه قانون عفو مینگار که جنگ که باعث بیرحمی‌های متعدد گردید: جهاد مقاومت و تلاش‌های مردم ما برای دفاع از مذهب و کشور یک دست آورد عالی در تاریخ کشور میباشد و افتخار ملی برای ما است.

پوشی نمودند^{۱۴۳} بعلاوه جنگ در افغانستان در واقع چندین جنگ بوده که هریک دارای چندین مرحله و فعالان بودند که در اینصورت نوشتن یک داستان جامع دشوار میباشد.^{۱۴۴}

کارشناسان بین المللی میتوانند ظرفیت داخلی را در راستای جمع آوری مدارک و هماهنگ سازی پروسه های انفرادی جمع آوری مدارک کمک نمایند تا موثریت شان افزایش یابد. انستیتوت صلح ایالات متحده همراه با پوهنتون امریکایی دیتا بیس مدارک را میسازند تا معلومات جنایات گذشته منظم شوند و قصد دارد تا مرکز جمع آوری جنایات جنگی را در افغانستان تاسیس نماید.^{۱۴۵} یک پاسخ دهنده که بالای این پروژه کار میکرد گفت که اینکار گزارشات چاپ شده و نشرات غیرچاپی مانند دیتا بیس پروژه قضایی افغانستان را جمع میکند و تضمین میکند که جنایات جنگی از تمامی دوره های مربوطه تحت پوشش قرار گیرند. چونکه این سرور خارج از افغانستان است، یک ذخیره گاه محفوظ برای منابع حساس میباشد. این انستیتوت با موسسات غیر دولتی مختلف در ارتباط است و آنها را تشویق میکند تا ازین دیتا بیس جهت نگهداشت منابع خویش بطور پنهانی استفاده نمایند و هر نوع منابع که میخواهند مشترک گذارند. این اسناد ممکن برای پروسه های نظارتی دولت حتمی باشد، همچنان باید یادآور شد که برای ایجاد شواهد محاکمه های محکومین جنایات جنگی در جریان جنگ بوسنیا نیز از این نوع دیتا بیس استفاده گردید.^{۱۴۶}

چالش دیگر اینست که تا وقتیکه مجرمین در قدرت باقی بمانند شواهد به شهادت علاقه نخواهند داشت، همچنان گواهی شواهد معتبر نخواهند بود. کسانیکه مدارک جمعآوری مینمایند بنا بر عدم تجربه بعضی اوقات نمیتوانند میان شواهد عینی و شایعات فرق کنند. اینکار تلاش واقعیت را مغلط میسازد و صحت، اعتبار و کمک به پروسه های جمع آوری اسناد را به خطر مواجه مینماید. باز هم حمایت بین المللی خیلی مهم میباشد. در میزان ۱۳۸۷ انستیتوت صلح امریکا و مرکز جمع آوری مدارک کمبودیا و انستیتوت جامعه باز مشترکاً میزبانی ورکشاپ آموزشی پنج روزه را بعهده داشتند که در آن موسسات عمده غیر دولتی افغان را با کارشناسان از سراسر جهان گرد هم آورد تا تلاش های جمع آوری مدارک از جنایات گذشته کمبودیا را مشاهده نمایند، درک بهتری از عملکرد ها و پروسه های جمعآوری مدارک را ایجاد کنند و نمونه ها و فعالیت های مربوطه را مورد بحث قرار دهند که در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته میتوانند^{۱۴۷}

۳،۴ جبران گذشته

قانون بین المللی^{۱۴۸} تایید میکند که رویکرد ترمیم کننده شیوه ای مهمی برای اعتراف آنهمه مسولیت های دسته جمعی اجتماعی میباشد که مقروض قربانیان اند. جبران خسارات به انواع مختلف صورت گرفته میتواند تا جان، ذهن و ملکیت بحال گردد یعنی اعاده دارایی، پرداخت های پولی، هزینه تعلیمی، بازسازی قانونی، پوزش صورت گیرد و حتی جسد عزیزان و اقارب برای تدفین برگشتانده شود.^{۱۴۹} درحالیکه جبران کلی خسارات که به قربانیان وارد شده اند و یا ارزیابی انفرادی از این خسارات ناممکن میباشد، برنامه بازسازی میتواند راه های حل مشکلات که ناشی از این خسارات شده اند را فراهم نماید. گزارش نهایی کمیسیون واقعیت و مصالحه (TRC) تایید میکند که جبران خسارات وسیله ابتدایی برای بازسازی اعتماد ملی و تشویق مصالحه میباشد.^{۱۵۰}

جبران خسارات برای جنایات جنگی گذشته و حال در افغانستان بشکل نامسجم تشخیص و تطبیق شده اند و با یک برنامه جامع جبران کننده برابری نمیکند. طور مثال دولت افغانستان، نیرو های ائتلاف و عساکر ناتو دارای تدابیر متفاوت جبران برای ملکیت از بین رفته و یا تلفات شهروندان میباشد. این کار موجب تحریک کمیسیون مستقل حقوق بشر گردید تا از ستره محکمه خواهان نظریات شان در رابطه با جبران کافی خسارات شود. مرکز بین المللی عدالت انتقالی گفت که دولت افغانستان باید اصرار کند که نیرو های نظامی بین المللی طرفدار ستره محکمه باشد.^{۱۵۱}

پالیسی دیگر جبران مالی عبارت از حقوق بازنشستگی برای معیوبین و بازماندگان شهدا است که از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین^{۱۵۲} پرداخته میشود. بعلاوه مکانیزم های مستحکم وجود ندارند تا شواهد خسارات مربوط به جنگ را ثابت سازند که این کار راه را باز میکند که ادعا های متقلب صورت

۱۴۳ دوستم قبلاً گفته که اجساد زندانیان طالب که در دشت لیلی دفن شده اند عمداً نبودند و ادعا نمود که به تعداد ۲۰۰ زندانی از زخم های جنگ و از مرض مرده بودند.

۱۴۴ گروه بین المللی بحران، اصلاحات قضایی افغانستان و عدالت انتقالی، ۱۸، ۱۳۸۲.

۱۴۵ مصاحبه با نماینده انستیتوت صلح ۲ دسمبر ۲۰۰۹.

۱۴۶ گزارش نهایی درمورد جامعه مدنی، ورکشاپ عدالت انتقالی و جمع آوری مدارک، ۱۷-۱۹ فبروری ۲۰۰۹.

۱۴۷ وردن و استیل، بیان واقعیت، درس های از تجربه کمبودیا برای افغانستان.

۱۴۸ حقوق جبران خسارات بشکل اعاده، تاوان، احیا و رضایت و تضمین تکرار نمودن در جلسه عمومی سازمان ملل مطرح گردید اصول و قواعد حقوق جبران برای قربانیان نقض حقوق بشر بین المللی و تخطی های شدید از قانون بشریت بین المللی، مصوبه ۱۴۷/۶۰ فوس ۱۳۸۴.

۱۴۹ Ruth Teitel, *Transitional Justice*, (Oxford, New York: Oxford University Press, 2000), 137

۱۵۰ Mohamad Suma and Cristián Correa, "Report and Proposals for the Implementation of Reparations in

(Sierra Leone," (ICTJ: December 2009).

۱۵۱ ICTJ, "Submission to the Universal Periodic Review," 5

۱۵۲ کارشناس مستقل و مشاور قبلی استراتژی انکشاف ملی مسول آمادگی برای استراتژی سکتور مصونیت اجتماعی، گفتگوی شخصی. (گزارش ۴۴۴۰۸ منطقه آسیای جنوبی ۱۳۸۷)

گیرند و اجتماع یا مقامات پروسه های ارزیابی افراد واجد شرایط را اداره نمایند.^{۱۵۳} در واقع، باید پرسید که آیا این پالیسی یک بخش پالیسی واقعی عدالت انتقالی جبران کننده میباشد که برای قدردانی از تمامی قربانیان طرح گردیده است. هرچند باید تأیید کرد که در محیط که اشخاص زیادی ادعای قربانی بودن را میکنند، پالیسی جامع برای جبران وظیفه عظیم برای هر دولت میباشد.

در مجموع، در پیشبرد مسئولیت های خویش در رابطه با قدردانی از افغان های رنج دیده در پلان عمل ذکر گردیده بود موفق نبوده است. افتتاح پلان عمل توسط رئیس جمهور حامد کرزی در روز حقوق بشر (روز قربانیان) در ۱۳۸۵ و تأکید مجدد وی بر شناسایی قربانیان در سال دیگر همه سمبولیک بودند.^{۱۵۴} در سال های بعدی دولت قربانیان افغان را بیشتر نادیده گرفت و اقدامات برای ایجاد بنا های یادبود از رنج آنها محدود گردید. بسیاری از ارگان های جامعه مدنی پروسه ای رسمی برای گرامی داشت از قربانیان جنگ ها را تأیید نموده اند. بعد از کشف گور دسته جمعی در بدخشان در سال ۱۳۸۶، رئیس جمهور کرزی در مظهر عام تعهد نمود که در آن ساحه بنای برای یادبود اعمار خواهد کرد، اما این تعهد هیچگاه به واقعیت نه انجامید.^{۱۵۵} این عمل با اینکه دولت همه ساله از مجاهدین یادبود بعمل می آورد و تجلیل روز انقلاب در افغانستان و روز احمد شاه مسعود و بنا های چون چهار راهی مسعود در مرکز کابل در تضاد است.

ر عوض مسئولیت گرامی داشت از قربانیان بیشتر وظیفه جامعه مدنی گردیده است. در روز قربانیان سال ۱۳۸۷ در بدخشان برای یادبود از گور دوره کمونست ها بنای یادگاری اعمار گردید.^{۱۵۶} سال بعدی آن کمیسیون مستقل حقوق بشر نخستین موزیم جرایم جنگ را در بدخشان افتتاح نمود. این موزیم هلاکت ده ها هزار انسان را گرامی داشته و پارچه های درهم پیچیده شده لباس، کفشهای بهم فشرده شده، دستبندهای زنگ زده، تسیخ و صد ها قطعه عکس و اسامی قربانیان در آن نگهداری گردیده اند. زمین برای این موزیم از جانب اجتماع اهدا گردید و قربانیان نیز درین پروسه شامل بودند. یک کمیسیون مستقل حقوق بشر از پلان های بعدی اعمار بنا های یادبود در هرات و کتر یادآوری کرد.

مرکز بین المللی برای عدالت انتقالی میگوید که فرصت های یادبود از قربانیان جنگ های جاری افغانستان امکانات ارتباطات جامعه مدنی را با دولت فراهم نموده میتواند.^{۱۵۷} هرچند، باید گفت که گرامی داشت در افغانستان در مسایل سیاسی فرو رفته است. بدون ارزیابی جامع علل و پیامد های جنگ، بعضی گروپ ها ممکن بالای نماد پلان های متفاوت یادبود اعتراض داشته باشند. اگر یک بنای تاریخی ظلم و ستم زمان کمونست ها را نشان دهد، پس قربانیان دوره طالبان شاید برنخند. اگر این بنا ها از مجاهدین یادبود کند، اقلیت های نژادی قربانی شده ممکن مخالفت نمایند.^{۱۵۸} فعالان که در این مورد کار میکنند باید بخاطر داشته باشند که اگر موضوع گرامی داشت بدقت پیش برده نشود، سبب افزایش رنجش ها در مورد بی تناسب بودن نمایندگی از یک گروه نسبت به دیگری میشود و منحیث یک وسیله تفرقه انداز استفاده میشود. یک پروسه منسجم گرامی داشت میان ائتلاف مختلف جامعه میتواند از این همه تنش ها جلوگیری نماید. بعلاوه، مرکز بین المللی عدالت انتقالی بدین نظر است که تا کارشناس موارد گرامی داشت را استخدام نماید تا ارزیابی نماید و فکر نماید تا درین رابطه چه کار های را میتوان انجام داد.^{۱۵۹}

جهت تضمین اینکه رنج قربانیان بدون قدردانی باقی نمانده اند بُعد دیگری وجود دارد که عبارت از ایجاد فضا برای آنها است تا شبکه ای برای بیان اندوه شان بیابند و با قربانیان دیگر در ارتباط باشند. یک تعداد ارگان های جامعه مدنی مکانزم های را اتخاذ می نمایند تا قربانیان درد شانرا بیان کنند. بنیاد همبستگی برای عدالت (FSFJ) نخستین شبکه برای قربانیان افغانستان است، که سه شورا را برای قربانیان در کابل تاسیس نموده اند.^{۱۶۰} گروه های شنونده در آن قربانیان شورا های یاد شده گرد هم می آورد تا تجارب و داستان هایشان را به همه بگویند. این گروه ها به قربانیان صدا میبخشند و سطح دانستگی در مورد شرایط جنگ را افزایش میدهند. همچنان این بنیاد خدمات روانشناسی و عصب شناسی را برای قربانیان فراهم میکند هرچند این خدمات به کابل محدود میباشد.^{۱۶۱}

اکنون این بنیاد در کابل فعالیت دارد، اما در نظر دارد تا این شورا ها را در ولایات دیگر ببرد و یک دفتر در هرات تاسیس میکند و دفتر دیگر آن در مزار خواهد بود.^{۱۶۲} کمیسیون مستقل حقوق بشر همراه با دفتر یوناما نیز شبکه های قربانیان را در سراسر افغانستان تشویق میکند و اخیراً ایجاد گروه های قربانیان را در کابل، بامیان، و جلال آباد حمایت نمود که بدین گونه تعداد این گروه ها را به شش رساند. یک نماینده کمیسیون مذکور که بیشتر درین مورد کار میکرد گفت که افزایش عضویت به انجمن قربانیان افغان در ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان که اکنون نزدیک به ۱۰۰ رسیده و برگزاری تعداد زیادی از ورکشاپ ها توسط این سازمان ها نشاندهنده شهرت این انجمن ها میباشد. همین پاسخ دهنده گفت، "اگرچه ما هنوز در مراحل ابتدایی قرار داریم، ما تأثیرات مثبت را که این انجمن بر مردم یکاولنگ دارد مشاهده میتوانیم." تلاش های مداوم برای حمایت قربانیان در سراسر افغانستان باید از لحاظ مالی و لوجستیکی حمایت شوند.

World Bank, Afghanistan Public Sector Pension Scheme: From Crisis Management to Comprehensive ۱۵۳

.(Reform Strategy" (Report No. 44408-AF, Human Development Unit, South Asia Region, 2008

.ICTJ, "Submission to the Universal Periodic Review," 3 ۱۵۴

مصاحبه مولف، کمیسیون از کمیسیون مستقل حقوق بشر ۱۵۵

احمد سردار، موزیم جنگی افغانستان نشاندهنده وحشت گذشته است، ۱۸ قوس ۱۳۸۸ ۱۵۶

.ICTJ, "Submission to the Universal Periodic Review," 4 ۱۵۷

وردن و استیل، بیان واقعیت، درس های از تجربه کمبودیا برای افغانستان. ۱۵۸

مصاحبه نویسنده با ICTJ ۲۶ عفر ۱۳۸۸. ۱۵۹

شورا مشکل از گروهی از بزرگان یک قریه میباشد. ۱۶۰

مصاحبه نویسنده، نماینده FSFJ. ۱۶۱

مصاحبه نویسنده، نماینده FSFJ کابل ۲۷ عفر ۱۳۸۸ ۱۶۲

موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان (AHRDO) با قربانیان در کابل کار میکند و جهت برخورد با گذشته و بررسی مسایل حقوق بشر و عدالت انتقالی روش های هنری و فرهنگی اتخاذ مینماید. این موسسه آرزو دارد تا روابط میان تیاتر و عدالت انتقالی را تحکیم کند، درحالیکه همزمان با آن به قربانیان افغانستان آواز میدهد و در جستجوی راه های حل برای برخورد با گذشته و حال دردناک افغانستان میباشد.^{۱۶۳} یکی از مثال های کار شان احیای نمایشنامه AH-08-VA با کمک ICTJ میباشد. این نمایشنامه که توسط دفتر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر حمایت میگردد داستان های معافیت را بازتاب می نمود، بار نخست در سال ۱۳۸۷ در کشور سفر داشت و توجه رسانه های بین المللی را بخود جلب نمود.^{۱۶۴} هجلمار جوهری ایکارن کارگردان این نمایشنامه گفت که موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان مجدداً آنرا آغاز نمود، "قربانیان از آن خیلی قدردانی نمودند- و فضا برای بحث ایجاد نموده است."

قربانیان نیز برای رنج های شان شبکه های رسانه ای را دریافت نموده اند. بنیاد همبستگی برای عدالت با کمک انستیتوت جامعه باز یک سلسله داستان های قربانیان را در رابطه با جنگ در یک روزنامه افغان نشر نمود. این داستانها همچنان از طریق رادیو در تخار و کندز پخش گردید.^{۱۶۵} انجمن اشتراک ملی افغانستان (ANPA) با همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر سه برنامه رادیویی را در یک هفته نشر میکند که داستانهای قربانیان و مفهوم و تجارب عدالت انتقالی را در ممالک دیگر بررسی میکند. بعداً این برنامه ها در ۴۰ ام استیشن های رادیو توزیع میگرددند.^{۱۶۶} کلید گروپ تخطی های حقوق بشر و جرایم جنگی را در مجله خویس تحت پوشش قرار میدهد. در اوایل ۲۰۰۹ رادیو کلید مذاکرات میز مدور را برای رسیدگی به جرایم جنگی و عدالت انتقالی برگزار نمود.

باوجود اقدامات فوق الذکر، رسانه های افغان در برابر مسایل عدالت انتقالی خاموش مانده اند و ظرفیت آن خیلی اندک است تا بتواند تجارب ملت را از جریان جنگ درک کند، درمورد آن پژوهش کند و عوام آگاهی دهد. یک پاسخ دهنده بین المللی یادآور شد که هنوز هم جامعه مدنی مشکلاتی را مواجه میشوند تا با رسانه ها در شرایط افغانستان ارتباط حاصل نمایند. همکاری اخیر جهت ارتقای ظرفیت کلید گروپ و انستیتوت صلح ایالات متحده در این راستا کمک میتواند. هدف کلی این پروژه اینست که رسانه های شگوفای افغان را تقویت بخشد تا به مردم در مورد نقض حقوق بشر، عدالت انتقالی و اختتام بخشیدن به معافیت از طریق پژوهش و بازجویی ها؛ نشرات و توزیعات آن اطلاع دهند. با انجام این کار این پروژه هدفمند است تا ریکارد تاریخی جنگ های گذشته و کنونی را بسازد.^{۱۶۷} رسانه ها در راستای انتقال واقعیت ها درمورد جنایات گذشته میتواند نقش بسزای داشته باشد و قربانیان را توانمند سازد و به آنها آواز دهد تا درد و رنج شان در سراسر کشور برسد. فعالان بین المللی تاکید ورزیدند که فعالیت های فوق الذکر یک آغاز نوید بخش بوده و آموزش های بیشتری در ساحات متذکره فراهم خواهند شد.

۵. نتیجه گیری: نگاهی به آینده

در مذاکرات که برای ختم جنگ برگزار میشوند و نیز در اجندا های بعد از جنگ، نیازمندی های قربانیان در پایینترین نقطه لست اولویت ها قرار دارد. قسمیکه مرکز بین المللی عدالت انتقالی مشخص مینماید که گروه های قربانیان آنچنان اهمیت ندارند که معمولاً طرفین مذاکرات دارند و بعلاوه آنها تهدید فوری به ثبات پنداشته نمیشوند. هنوز هم در درازمدت، قرار دادن قربانیان و حقوق آنها در اجندای بعد از جنگ لازم است تا میان دولت اعتماد بوجود آورد. رسیدگی به نیازمندی های قربانیان از لحاظ امور اخلاقی و قانون خودش دارای ارزش است و همچنان از لحاظ ایجاد منافع درازمدت سیاسی و ایجاد صلح باثبات دارای اهمیت استراتژیک است.^{۱۶۸} در واقع ضعف در قسمت رسیدگی به نیازمندی های قربانیان و برخورد با معافیت در افغانستان ممکن موجب افزایش شورش شده باشد.^{۱۶۹}

این نشریه بعضی از تلاش های یک تعداد موسسات افغان و بین المللی را که در قسمت رسیدگی به گذشته در افغانستان کمک نموده اند شرح نموده است. "عدالت انتقالی" شامل یک تعداد پروسه های میشود که در یک کشور قابل دسترس بوده تا به میراث های گذشته رسیدگی صورت گیرد. هرچند هر شرایط بینظیر میباشد و مکانزم های عدالت انتقالی باید واقعیت های مربوطه را بازتاب دهد. اغلباً در مورد عدالت انتقالی در افغانستان سؤ تفاهم ها وجود دارد و فکر میشود فقط به معنی رسیدگی به پرسش های جنایی میباشد.^{۱۷۰} درحالیکه عدالت جنایی همیشه ممکن یا حتی پسندیده نمیشود، مردم و تصمیم گیرندگان باید از امکانات اتخاذ تمامی گزینه های موجوده به این حالات بدون تسلیم شدن فشار ها برای معافیت آگاه باشند.^{۱۷۱}

۱۶۳ خداداد بشارت، رئیس موسسه دموکراسی و حقوق بشر گفتگوی شخصی، ۲۴ عقرب ۱۳۸۸.

۱۶۴ برای معلومات بیشتر مراجعه شود به، ایملی و نتریتیم، Ghosts of War Afghan Scene ۶۲ سنبله ۱۳۸۸.

۱۶۵ مصاحبه نویسنده با نماینده FSF کابل ۲۷ عقرب ۱۳۸۸

۱۶۶ مصاحبه نویسنده، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر

۱۶۷ نماینده انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، گفتگوی شخصی، ۲۳ جدی ۱۳۸۸

۱۶۸ Mohamad Suma and Cristián Correa, "Report and Proposals for the Implementation of Reparations in (Sierra Leone)," (ICTJ: December 2009).

۱۶۹ مراجعه شود به، عدالت و مبارزه علیه شورش در افغانستان، ارتباط گمشده، دفتر ارتباطی قبیله ای، ارزیابی سیاسی اجتماعی ولایت ارزگان ۱۳۸۵-۱۳۸۸. و روتیگ، ابعاد شورش افغان.

۱۷۰ این یافته بر اساس مصاحبه ها با فعالان ملی افغانستان میباشد.

۱۷۱ مانی، ۲۶.

پالیسی های که در قسمت مقابله با گذشته و جبران آن فعالیت دارند میتوانند به مردم کمک کنند تا با رنج های جنگ و خشونت برخورد نمایند. در ممالک دیگر مانند پیرو و بوسنیا بی خبری از اینکه بالای عزیزان شان چه گذشته بود در راه توانایی مردم برای برخورد با گذشته و متعاقباً در برابر پیشرفت کشور متذکره و فعالیت ها برای مصالحه یک مانع پنداشته میشود.^{۱۷۳} خیلی مهم است که جامعه جهانی و بخصوص دولت افغانستان سازمان پزشکان برای حقوق بشر را حمایت نمایند و از گور های دسته جمعی در افغانستان محافظت نمایند. تخریب ساحات گور های دسته جمعی از تشخیص و حفر ها در آینده ممانعت میکند که نه تنها برای درمان انفرادی مردم بلکه برای آشکار سازی واقعیت ها در مورد جنایات گذشته لازمی میباشد. کمک به ارتقای ظرفیت افغانستان در راستای جمع آوری اسناد و مدارک و حفظ و جمع آوری شواهد تضمین میکند که اطلاعات گم نگردیده اند، تا زمانیکه افغانها خود شان تصمیم گیرند که چه کاری باید انجام دهند. در حالیکه وظیفه دولت است تا از رنج های قربانیان جنگ های افغانستان قدردانی نماید، جبران خسارات مادی و مالی ممکن بنابر پیامد های عظیم مالی ستیزه جویانه باشد و به مثابه پذیرش گناه ها تلقی شود. هرچند، اشاره های سمبولیک مانند برگزاری روز قربانیان بطور رسمی، ممکن به قربانیان وانمود سازد که تجارب شان فراموش نگردیده اند. اعضای گروه هماهنگی عدالت انتقالی در جریان مصاحبه از اینکه دولت مواقع قدردانی از رنج قربانیان را نادیده گرفت اظهار مایوسی نمودند. هرچند تمامی این پروسه ها آسیب پذیر بوده و به کمک نیاز دارند.

جامعه مدنی باید به کمک های توسعه سازمان های که در راستای عدالت انتقالی کار میکنند ادامه دهد. تلاش های مرتب برای ارتقای ظرفیت جامعه مدنی بخصوص تلاش گروه هماهنگی عدالت انتقالی که برای عدالت انتقالی مدافعه مینمایند تضمین میکند که صدای آنها به مقامات میرسد. توسعه دادن گسترش جغرافیایی سازمان های که در کابل مستقر اند و ایجاد گروه ها را در سراسر ولایات حمایت مینمایند میتواند درک سرتاسری را در مورد اهمیت عدالت انتقالی بوجود آورد. جامعه مدنی پر قدرت، فعال و ملی میتواند کمک کند تا پالیسی های حساسدهی پیش برده شوند و برای دولت مشکل خلق کند تا نگذارد معافیت فایق شود.

پذیرش یک واقعیت دیگر مهم است که عبارت از اینست: در محیط که با هر نوع عدالت انتقالی مخالفت دارد، هر اقدامی مهم نیست که چقدر خوب اجرا شده اند مبارزه خواهند کرد. برای اینکه پروسه مبارزه با گذشته ثابت قدم بماند، رهبری سیاسی و سازمان بالاخره باید در آن دخیل باشند. جامعه جهانی که اهمیت عدالت انتقالی را در ممالک دیگر قدردانی نموده اند و از طریق پذیرش پیمان های بین المللی مسوولیت قانونی و وجدانی دارد تا تضمین نماید که دولت افغانستان میلیون ها افغان عادی را که از جنگ زجر دیده اند و می بینند فراموش نکند.

صدای قربانیان باید مجدداً مورد بحث قرار گیرند و نیاز های شان برآورده شود. و باید بیشتر درک شود که افغانها واقعاً چه میخواهند. پژوهش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان آرزو دارد که به انکشاف این دانش کمک کرده و در مورد اینکه منظور افغانها از "عدالت"، "آشتی" و "صلح" چه میباشد آگاهی دهند. یک موضوع واضح است که تشخیص راه ها برای حرکت به پیش نیازمند مشورت های جاری با افغانها میباشد نه فقط اینکه با فعالان افغان و بین المللی که صاحب قدرت اند حرف زده شود.

به همان اندازه که پالیسی سازان میخواهند گذشته را بعد از دهه ها جنگ نادیده گیرند، ناتوانی رسیدگی به معافیت در افغانستان موجب ناامنی های جاری میگردد. عدالت انتقالی فقط در مورد پیگیری جنایات گذشته نیست بلکه بمنظور برخورد با معافیت جاری است که سبب غیر قانونی ساختن و ممانعت از حکومتداری و مبارزه علیه شورش میگردد. تقریباً نه سال بعد از کنفرانس بُن، برای اینکه افغانستان به پیش سوق یابد، فقط به تجارب ممالک دیگر نگاه نکند بلکه تاریخ خودش را نیز مشاهده کند. اهمیت برخورد با گذشته و ارتباط آن با حال در مذاکرات روی آینده افغانستان باید با دقت مد نظر گرفته شود.

^{۱۷۲} برای معلومات بیشتر در مورد بوسنیا مراجعه شود به Wesselingh and Vaulerin, Raw Memory و برای معلومات در مورد پیرو مراجعه شود Lisa Magarrell and Leonardo Filippini (eds.) "The Legacy of Truth: Criminal

Justice in the Peruvian Transition" (ICTJ: 2006), available at: <http://www.ictj.org/static/Americas/Peru.LegacyofTruth.eng.pdf>

۶. اختتامیه

دموکراسی اغلباً یک پدیده بذات خود مفید در مورد پیشرفت سیاسی؛ اجتماعی و اقتصادی دولت هاست. که همچو دموکراسی سازی به پیمانانه وسیع از طرف جامعه جهانی منحصیث کارکرد عالی ترقی داده شده، و همچو حالت در افغانستان، جائیکه بعد از جنگ؛ به مراحل دموکراسی سازی توجه مبرم ملی و جهانی معطوف گردیده، توجه اندکی به مفهوم این کلمه در افغانستان شده.

با این همه، معلومات بیشتر ضرورت است، تحقیقات اساسی با کیفیت که جهت این مطالعه در سه ولایت افغانستان براه انداخته شد؛ که طی آن راجع به سطح پذیرش این گونه مراحل دموکراسی سازی کاهش در میان شهروندان بنا بر علل متعددی رونما شده است.

عامل نخست، این دموکراسی را بطور چشمگیری با دموکراسی نوع آزادی فردی غربی مرتبط دانسته، که در فاصله با نورمهای مذهبی و کلتوری واقع است. اگر ارزشهای آزاد در افغانستان ادامه بیاید با توجه با اینکه بالای افغانستانها تحمیل شود، پس درینصورت به حد زیاد انکار و ابا، بشکل مجموعی از مراحل دموکراسی و به آن به دیده فرهنگ غربی نگاه کردن، از آن دوری خواهند جست. عامل دومی، سراسیمه گی وسیع درباره فواید که دموکراسی می توان آنرا آورد، توقع از عملی کردن قانون ولی به ناکامی منجر شدن آن، پیشرفت اقتصادی، و مایوس بودن مردم درباره وخیم شدن اوضاع امنیتی عنوان شده است. و ضمناً نگرانی ها راجع به ترغیب رقابتهای چند حزبی که ومخالفت سیاسی سبب بد خواهد شد.

عامل سوم، نماینده گی دموکراتیک به سوبه عالی ذاتاً دارای عیب است. به سبب نارسائی و فریب محسوس شونده بالای مراحل رسمی نماینده، و نماینده گان منتخب اثر نفوذ خواهد کرد.

در نهایت امر، نبود ارتباط اساسی میان حکومت و دولت بوده که به این شیوه شکل رسمی نهاد دموکراسی نیست.

با وجود این همه عوامل، خواهش وتقاضای وسیع راجع به سهیم شده عامه در مراحل دموکراسی از مطالعه در سه ولایت هویدا شد. مفکوره اشتراک در دموکراسی و خودمختاری حکومت تا هنوز در ملاحظه عالی قرار دارد. که این عمل در انتخابات دور دوم سال ۲۰۰۹ قابل باور نبود. و حالا عملکرد بطور آشکار رای دهنده گان کم، و ادعا های دروغین آنها برملا شد. مگر با وجود این هم افغانستانها خواهش دارند تا در انتخابات حصه بگیرند؛ و حکومت را انتخاب کنند که نتایج حاصله آن به پیمانانه وسیع گمان برده می شود که از قبل تعیین شده اند. و همچنان اشتراک در آن ممکن به قیمت سر آنها تمام شود. در واقعیت این آزمون برای افغانستانها دموکراسی و اصول دموکراسی را به بار نیاورد.

همراه با آنان که راجع به این مطالعه مصاحبه صورت گرفت اذعان نظر کردند که سیستم حکومت دموکراتیک ضرورت به زمان دارد و بطور فوری و عاجل محال است.

این یک نکته مفید مورد توجه، برای اعضای جامعه جهانی خواهد بود، که میخواهد که انتخابات سال ۲۰۰۹ را منحصیث بخش مهم حکومت داری دموکراتیک در کشور به تصویر بکشد. دموکراسی و دموکراسی سازی در افغانستان در برگیرنده مدت طولانی، خوش آیند و مراحل با ارزش خواهد بود. که یک بار دیگر موافق با نظریات افغانستانها به تشریح ضرورت دارد.

نسخه چاپی این کتاب به طور رایگان در دفتر این اداره موجود است

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
جاده گلفروشی (نبش سرک ۲)
شهر نو
کابل، افغانستان
تلیفون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+
ایمیل: areu@areu.org.af
وب سایت: www.areu.org.af

